

مادیع نظاری

جنگ ایران - هند

از جنگهای نادر شاه

در سال ۱۱۵۱ هجری

نائب

جیل : قوزانل و

طبع نامی

طهران

۱۳۰۹



تاریخ نظری

جنگ ایران - هند

« از جنگهای نادر شاه »

در سال ۱۱۵۱ هجری

تألیف

جیل : قوزانلو

طبع نانی

طهران

۱۳۰۹

جنگهای نادر شاه

(۱)

جنگ ایران - هند

در سال ۱۱۵۱ هجری

فصل اول

کلیات

نادر شاه افشار پس از اینکه از تنظیم امور سرحدات شمال و مغرب ایران نا اندازه فراتر حاصل نمود، توجه خود را جا بالت شرقی مملکت یعنی بلوچستان، مرغ و افغانستان معطوف داشته، برای رفع اغتشاش آن نواحی که اکثر آنها از خرابی اوضاع حکومت آنوقت هندوستان بود، با دولت مرکزی هندوارد مذاکره شده و ضمناً در صد بی آمد که از گذارشات داخلی هندوستان مرکزی بطور مخفیانه اطلاعاتی تحسیل نماید.

(۱) در طی مقالاتی که تحت عنوان «جنگهای نادر شاه» انتشار خواهد یافت، درنظر گرفته ام که شرکت های تاریخی این ناچه روزگار را حتی القدور و در حدود مدارک موجود و تحقیقات عجیبی که در این باب شده است از روی اصول منظمی برآورده تحریر در آورده و به مردم افکار قارئین محترم بجهة قشون پکنارم. بناءً طبقه این از مهم ترین جنگ های تاریخی که عبارت از جنگ با هندوستان است شروع مینماییم.

مدارک مطالعات ما در این قسمت بخصوص از کتب خارجی:

- ۱ - «تاریخ هندوستان در قرون اخیری» است که در قرن هیجده هم بوسیله مورخین هندی تهیه و در سال ۱۳۲۱ از هندی بریان فارسی ترجمه و جلیع شده است. قسمت عده مطالعات ما از روی این تاریخ راجح باوضاع سلطنت مغول در هندوستان قبل از ورود قشون ایران وطن و اسبابی است که باعث قشون کشی نادر شاه شده است.
- ۲ - تاریخ جنگهای نادر شاه تالیف ترزال «کیشیش اوف» درسی
- ۳ - از کتب داخلی: روضه الصفا و کلیات هابری، مسیر جهانگیری، پادشاه نامه و تاریخ عالم گیری است.

از طرف دیگر بین دولتین (ایران و هندوستان) از دیر زمانی بر سر افغانستان و حوضه‌سند اختلافات و کشمکش‌های موجود بود که حل و تصفیه آنها غیر ممکن بنظر میرسید. بعلاوه چون نیت اصلی نادر شاه براین بود که سرحدات شرق ایران را حدود طبیعی قرار دهد، ماینواسطه جنک یادولت بزرگ هند که یکی از دول معظمه آسیا بشمار بود، امری ناگزیر بنظر میرسید. در هین اوان یعنی مقارن سال ۱۱۵۰ هجری اختلال اوضاع داخلی هندوستان بمنتها درجه رسیده بود و نادر شاه برای دفعه ثانی از خرابی کار قشون و حکومت هند توسط وزراء آن مملکت اطلاعات جامعی بدست آورد وابن وضعیت را مقتنم شد؛ برای حل قطعی مسئله افغانستان چندین مراسله رسمی بعنوان (محمد شاه) ارسال داشت (۲) ولی مانند دوره‌های سابق بان مراسلات هم جواب قاطعی داده نشد. ما اینکه در سال ۱۱۵۱ هجری مناسبات سیاسی نا اندازه تسب و خامت نمود و بالاخره نادر شاه بوسیله « مصحوب » ناینده فوق العاده و ایلچی مخصوص ایران مکتوبی بیان شاه هند نوشته و برای تصفیه مطالب مختلف فیه نظریه قطعی اورا خواستار شد. ولی متأسفانه هاتمام سعی و کوشش ایلچی مخصوص ایران مأموریت او فیصله نیافت و در اثر انقلابات داخلی هندوستان در دهی پایتخت آن مملکت به قتل رسید.

از استناع خبر این قضیه ناگوار، نادر شاه فوق العاده برآشافت و بشرح یادداشت رسمی ذیل پیادشاه هندوستان پر و تست نمود :

« خیلی عجب است که شما در امور مملکتی اینقدر بی اعتنا و بی قید باشید. با وجود اینکه »
 « مکرر بشما نامه نوشتم و سفیر فرستادم، اظهار دوستی کردم؛ وزراء شما لازم ندیدند برای من »
 « جواب کافی نفرستند و بواسطه عدم انتظامات، یکی از سفرای من برخلاف قوانین دنیا و مخصوص »
 « قوانین مقدسه اسلام در پایتخت شما کشته شد. لذا برای جبران این لطمہ بزرگی که بعینیات »
 « ما وارد آمده است و فرم مسائل مختلف فیه »، باید قسمت شرقی افغانستان را بطور کرو و ه کرور »
 « تو مان بعنوان خسارت جم آوری و تمرکز قشون در ولایات شرقی ایران و خون بهای سفیر »
 « فوق العاده مایلیون هیج کنکو بدولت ایران تسلیم و تحویل دارید ».

امضاء نادر شاه افشار - ف پنجم جادی الثاني ۱۱۵۱.

در از این وقایع سیاسی (روز ۲۹ جادی‌الثانی ۱۱۵۱ ه) بالآخره مناسبات دولتین قطع گردیده و از طرف ایران بدولت هند رسماً اعلام جنک داده شد. (۳)

استعداد جنگی طرفین

قوای دولت ایران بس از رفع اختشایات ناحیه (قدهار) دولت ایران دوباره درگاه فوریت به تمرکز قوا پرداخته و در قلیل مدت در حدود شهر مذکور قوای معتبر (۴) جمع آوری و تهیه نمود که سرکب از صنوف مختلفه ذیل بوده:

پیاده نظام	۶۰/۰۰۰
سوارنظام	۳۱/۰۰۰
گارد مخصوص شاهی	۵/۰۰۰
توپخانه و تقلیه	۷/۰۰۰

پیاده نظام — شصت هزار نفر پیاده نظام مطابق تشکیلات نظامی آنوقت به ۶۰ فوج تقسیم و هریک از افواج دارای یک فرمانده و ده نفر صاحب منصب بود و هاس (شهر خود) خوانده میشد. خطر باینکه بر طبق مرسوم آن عهد، فرمانده هر صنفی از سردارگان همان صفت انتخاب میشد لذا در این موقع فرماندهی کلیه افواج پیاده ایران به « طهه‌اسب خان وکیل » (۵) محول شده بود. چون نادرشاه بر این عقیده بود که صفت پیاده، صفت اصلی و ممتاز قشون است و توجه نمای به تنظیم و تعلیم پیاده داشت، از این جهه کلیه افواج پیاده ایران از حیث تعلیم و تربیت و انتظام در قطعه آسیا مقام اول را حائز بودند. افراد پیاده مجہز به تفنگ سریر و بروای محاربه از مسافت فردیک، اسلحه سرد متنوع داشتند.

(۳) — نادر شاه در آن موقع در پایتخت نبود، قبلاً امورات داخلی و خصوصاً اوضاع قسمت فرسی ملکت را منظم کرد و « رضاقلی‌میرزا » را وکالتا بجای خود گذارده برای اصلاح و تنکیل امورات مشرق ایران بطرف شهر « قند‌هار » فشون کشیده محل تمرکز قوارا را آنجا فرار داد و در آن مسحات مدت چهارده ماه اقامت نمود. در ولایت قند‌هار و « کنده » امنیت و آسیش را کاملاً برقرار نمود و روزی که آخرين یاد داشت جنگی را بدولت هندوستان داد، قرار گاه عومنی در شهر « قند‌هار » بود.

(۴) بنا بر توضیحات تاریخ هندوستان منطبخه در شهر کلکته در سال ۱۲۰۰

(۵) رتبه « وکیلی » در تشکیلات آنوقت پکی از بالاترین مقامات بود.

سوار نظام — واحد سوار نظام ایران در آن دوره بفرار ذیل تقسیم بندی شده بود .

۰۰۰۲ سوار تحت فرماندهی حاکمی بیک سرتیپ قرار داشت که اردوگاه آنها در بیک خرسنگی طرف مشرق قندمار بود .

۱۰۰۰ سوار از طایفه افشار بفرماندهی جوان قلیخان سرهنگ .

۶۰۰۰ سوار ابواجعمی سردار افشار (هزار نفر از بیک ، هزار نفر کرجی ، دو هزار نفر رکن و دو هزار نفر قزلباش) .

۵۰۰۰ سوار از توافقی غربی افغانستان تحت امر صفوی خان سرتیپ

۶۰۰۰ سوار ذخیره بفرماندهی سرهنگ حسینعلی خان

۲۰۰۰ سوار بفرماندهی ایل بیکی افشار تشکیل بیک قسمت مستقلی را میداد .

توضیحه و تخلیه — عده های توپیجی و مستجهات تقلیه قشون ایران بالغ بر ۷۰۰۰ نفر و تحت ریاست بیک فرمانده علیحده قرار داشتند . نوع تویهای از تویهای سنگین و متوسط سریع و جنس آنها از برنج و مس و رویه مرغه بالغ بر یک صد عراده بود . ولی پس از فتح قلعه کابل و سایر نقاط افغانستان شرقی بیک صد و چهل عراده رسید . (۶)

گارد مخصوص شاهی — پنج هزار نفر گارد شاهی مستقیماً تحت فرماندهی قاسم خان اعتماد الدوله قرار داشت و مرکب از ۱۰۰۰ نفر شمغالچی . ۱۰۰۰ نفر چاوشی . ۱۰۰۰ نفر نقيب . ۱۰۰۰ نفر قراول خاصه و ۱۰۰۰ نفر جلودار بود که در پیش ایش قوای عده ه حرکت میکردند و قوای گارد مخصوص شاهی در غالب جنگهای تحت امر مستقیم شخص نادرشاه میجنگیدند . هنکام یورش و حلبه با کمال رشادت و تهور با فرباد « فتح با شاهنشاه است ! » خود را بروی دشمن می افکنندند .

قوای دولت هند — بطور کلی میتوان گفت دولت هندوستان مانند ایران دارای قشون منظم و دائمی نبود . قوای حاضر خدمت آن بدو قسمت تقسیم می شد :

قشون سلطنتی و قشون سرحدی . قشون سلطنتی عبارت از ۲۰ « کرویه » (۷) بیاده

(۶) — اقتباس از پادشاهنامه .

(۷) — « کرویه » بنزه افواجی است که هریک دارای چهار صد نفر عده باشند . ج . ق

ویک دسته سوار غیر منظم بود.

توبیخانه سلطنتی در حام هندوستان و در قلاع نظامی به ۳۵۰ عراده بالغ می شد. باضافه قوای سرحدی و عده های ساخلو قلاع نظامی بود که در سه نقطه تمرکز داشتند (کابل - بیشاور - لاہور).

استعداد کل قوای هند پرآکنده و نا معلوم بود، بطوری که جم آوری و تمرکز آنها تقریباً نا پایان جنک بطلول انجامید و بموجب تخمین غیر رسمی بالغ بر ۱۵۰۰۰ نفر میشد. بهترین قسمت قوای هند را قسمت سرحدی تشکیل میداد، زیرا از مدتها قبل پیشرفت و قتوحات پیاپی دولت ایران در محاربات قفقازیه، ماوراء خزر و بین النهرين، دولت هندوستان را بازن فکر انداخته بود که برای جلوگیری از تجاوزات احتمالی قشون های همسایه بالاخص قشون ایران، در سرحدات شمال غربی خود، قوای معینی را تمرکز داده و قلاع آن نواحی را مستحکم نماید از این رو قبل از شروع عملیات به عده قوای سرحدی و ساخلو قلاع کابل، لاہو و بیشاور حتی المقدور افزوده شد. ولی با حام این پیش بینیها دولت هند توانست در اوائل جنک در نام نقاط سوق الجیشی عده منظمی را تمرکز دهد. (۸)

نقشه جنگی طرفین

ایران — نیت نادرشاه که بنابر تصدیقات سیاسی و عملیات تمرکز قوا بطور قطع اتخاذ حالت تعریضی بود ولی نکته مهمی که در انجام این مقصود فکر او را متوجه ساخته بود، موضوع انتخاب طرق سوق الجیشی بود. در اینباب در نتیجه شور با سرکردگان و فرماندهان صنوف مختلفه، راه شمال شرقی از هر جای مناسب تر از راه جنوب شرقی (بلوچستان شرقی) بالظیر رسید: مخصوصاً وجود هدف های مهم در سراین راه که عبارت از قلاع نظامی مذکوره در فوق بود، توجه دقت عموم سران سپاه را برای شمال شرقی جلب و بالا لافق همین را مصلحت دیدند. موضوع دیگری که در اجرای نقشه جنگی مداخنه عمده داشت، وسائل نقلیه قشون بود: علیهذا از بدو تمرکز قوا توجه نادرشاه هاین مسئله معطوف گردید، ولی چون تهیه دواب یا راکن از یک طرف موکول باقتصای فصل و مشغله رعایا بود و از طرف دیگر طاقت دواب برای حل و نقل بارهای سنگین و سفر طولانی، البته پس از چرایی بهار و ناستان بیشتر بی شد. از این رو نادرشاه تصمیم

(۸) در سال ۱۸۵۰ اعجری نواحی شرقی افغانستان بطور نیمه مستقل در تحت قیومیت دولت هندوستان بود.

مگفت که قوای خود را در اوائل پائیز بطرف مقصد حرکت دهد. در ضمن برای جمع آوری دواب مقرر داشت (۹) تمام مالک مسخره در مشرق و همچنین ولایات شرقی ایران، یک عدد معین دواب تهیه و بمحل تمرکز قوا حرکت دهدند. باین ترتیب در موعده معین تمام قشون دارای وسائل تقلیلی کافی نند. (۱۰)

هندوستان - اما دولت هندوستان بنابر وضعيت و اوضاع قشون خود و همچنین از لحاظ اهمیت نظامی قلاع افغانستان، مصمم شد مازمانی که بتواند حام قوای خود را در یک نقطه سوق الجیشی تمرکز دهد عجالة بوسیله قلاع نظامی مستحکم و تندگه های مهم «هندوکش و خیبر و کومسلیان» از پیشروی دشمن جاودگری نموده و بعد بنابر وضعيات آینده رفتار نماید.

فصل دوم

محاربات مرحله

۱ - عملیات تعریضی در افغانستان بنا بر تصمیم اولیه راجع
با انتخاب راه شمال شرقی
 ستون داشت که در بلوچستان قرار داشت، بطرف این راه احضار گردیده و سمت حرکت قوا قبل از طرف شمال شرقی: هدف شهر کابل - بعد از تصرف آنها از راه تکه « خیبر » بجانب مشرق و پس از وصول به « پیشاور » بطرف جنوب معین گردید.

در پائیز سال ۱۱۵۱ هجری روز چهارم میبله، قوای ایران در سه ستون از جاده [غز زین - کابل] شروع به پیشروی نمود.

چون جاده های فیباين غزین و قندھار برای حرکت ستونها چندان مساعد نبود لهذا هارندگیهای و افر فصل پائیز نمکن بود راه را مستند و قشون را در این نواحی کم حاصل از حیث آذوقه و چار میشه نماید، علیهذا با هر یک از ستونها، قطارهای بزرگ حامل آذوقه و علیق حرکت داده شد که وسائل

(۹) - هنون در آین موقع کلیه استعداد امداد شاه بیش از یکصد هزار نفر نیشد و از طرقی هم رفتار اهالی افغانستان نسبت به ایران خصوص آمیز بود، مشارکه صلاح در این دانست که قلا و سایل ارتباط را با خط « اصفهان » تأمین و بند به تصرف خود ادامه دهد، بدین جهت مصمم به تسخیر قلعه « کابل » شد، مشروط بر اینکه سمت بلوچستان در نتیجه مراجعت نماید.

(۱۰) - انتساب از کتاب ژرال « کیشیش اوف » روسی که هنای سال قبل در شهر « سن پترسبرغ »
 جطبع درسیده است . ج : ق

اعشه اردو تا اندازه تامین شده باشد. (۱۱)

البته اگر قوای ایران تدارکات خود را در بهار قبل از هم رسانیده و در اول میانه موفق بحرکت می شد، این اشکالات بمراتب کمتر و عملیات پیش روی به تعویق نمی افتد.

مبادرت به تعرض از وسط افغانستان بطرف هند کاریس مهکل و سخت بود، ولی عزم آهنگن و اراده هوایی نادر شاه بر آنکه موافع و مشکلات طبیعی و مصنوعی فایق آمده و بالآخر متون های قشون را از جبال شانخه افغانستان عبور داده و موافع مصنوعی خصم را نیز منهدم ساخت. تعرض از وسط افغانستان از مهمترین عملیات لطای نادر شاه افشار بهار است زیرا از یک طرف تصرف قلاع متن افغانستان و از طرف دیگر استیلای بر بلاد دور دست خطوط سوق - الجیشی که در ائمای این تعرض تاریخی بسهولت و سرعت انجام گرفت، حام اینها دال بر کفایت و دور اندیشی و بجهادت خستگی نایدیز این تابعه روزگار بود. در اردو کشیهای سرداران مغرب زمین حتی در قرون اخیر هم کمتر دیده شده است که مانند نادر شاه بتوانند با وسائل آن روزه، قوای معظمی را از وسط یک حمله صعب العبور کوهستانی بدون تلفات و خسارات مهیب عبور داده و موقعاً به هدف حقیقی برسانند.

در آرایش واه پیمانی قرار گاه کل متعاقب ستونها حرکت مینمود و بسیاری از امراء و سرکردهای ایران و مالک مسخره ملتزم رکاب نادر شاه بودند.

در جلو ستونهای پیاده مطابق اصول جنگی آن روزه یک عدد سوار نظام سیک به ترتیب ذیل حرکت مینمود:

(۱۱) قبل از شروع عملیات جنگی موقعیکه استعداد کل قوا در صحراه قندهار، نمرکر و در حال اجتماع توقف داشتند، نادر شاه کفرمانی کل قوارا بهده گرفته بود، در حضور فرماندهان و صاحبمنصبان و افراد نعلق ذیل را ایجاد کرد:

صورت نطق: « مشکلات گذشتن از در بند های صعب العبور و سلسله جبال مرتفع و رودخانه های « عظیم بسیار مشکل است، باید باقیشون سلطنتی هندوستان بجنگیم و بخت خودمان را در چنین « جنگی هم بعرض آزمایش گذاریم، فتح و موقیت، مأولت ایران را سریاند و مظلومیت و شکست « قشون، ملت و دولت را بهذلت خواهد انداد. در این جنگ عظیم و سفر طولانی « تنها ما، « بلکه قاتم ملت هم از خنایم و ثروت هندوستان بپرورد خواهیم شد، برویم « خدا « با ما است. »

عده سردار افشار مرکب از ۶۰۰ سوار و دو عراده توپ سبک از قریه «هیرمند آباد» حرکت و مأموریت داشت از طریق قندھار — غریبین بستگی کردنه «شیردهان» پیشروی نماید. عله حاجی بیک سرتیپ مرکب از ۴۰۰ سوار میباشیست از جنوب شهر قندھار در تعقیب روز بخانه «نارنامه» پیشروی نموده در طرف مغرب دو سنگی کردنه «شیردهان» به قوای سردار افغان ملحق شود و عندالزوم در ساحل چپ رودخانه منبور اکتشافاتی بعمل آورند.

مطابق اصول ناکتبکی قرون اخیره چون تعریض اولیه، پوشش قوا، تعیین هدف اصلی، انتیفات سوق الجیشی بهمراه سوار نظام بود، بدین لحاظ قسمت سوار در پیشایش قشون حرکت، پیشنهاد نظام در قلب و سایر مستجات هم مؤخره الجيش را تشکیل مینمایند.

در موقع پیشروی ترقیق توبخانه ما سوار نظام هم یکی از قواعد جنگی نادرشاه بود و در آردوکسیهای معظم له قوای مقدم ایران همیشه مجهز به توبخانه سبک می‌شد. وضعیت جاده‌های آمروزه برای عبور توبخانه سنگین مناسب نبوده و بعلاوه وجود سلسله جبال سلیمان و شیردهان بدد سر راه و نزدیکی فصل زمستان باعث شد که نادرشاه فقط از توبهای بسیار سبک کلیه چهار عراده با سوار نظام حرکت دهد. پیشروی سوار نظام ما حوالی شهر غزنیان بدون مانع عده انجام گرفت و در حدود جنوب غربی این شهر برای اولین دفعه قوای طرفین یا هم خان مینمایند.

فرمانده ستون اول سوار، حاجی بیک سرتیپ، راجع باوضع اهالی افغانستان غربی و استعداد دشمن را بر تهیه و روز چهارم درج بخدمت نادرشاه ارسان داشت. پس از وصول راپت فوق و اطلاع براینکه در شهر «غزنی» و اطراف قوای مختصری از دشمن وجود دارد، نادر شاه تصمیم گرفت که هر دو ستون سوار نظام مقدم از طرفین به شهر منبور تعریض نمایند و برای تقویت آنها نیز عده سواری که نا آنوقت نخست اسر مستقیم قرار گاه کل بود، باختیار سردار افشار گذاشته شد، خود نادرشاه نیز با قوای عده بطرف غزنین حرکت نمود.

نا عمل «قره باغ» شش فرنگی غزنیں عموم اهالی اظهار اطاعت نموده و مراسم احترام و اعزاز را بجا آوردند و از جانب نادر شاه نیز بکلیه سکنه ابراز مهربانی و ملاطفت شد.

روز ششم ماه دیگر هر دو ستون سوار در اجرای حکم فرمانده کل از دو سمت، جنوب و مغرب غزنیں شروع به تعریض نمودند و همینکه در حدود شهر نادره جنک افروخته شد و حشت و اضطراب فوق العاده به اهالی دست داد و با اینکه بنابر مرسم قرآن آخری شهر دارای برج

دباروی مستحکم بود، معهدنا موسی خان حاکم ولایت از شهر فراموشه دفاع قلعه و شهر را بهمده اهالی واگذار کرد

عجایب عدم پیش قرار اول سوار در جنوب شهر ادامه داشت و چنین از افغانستان که درین فرسنگی شهر بودند بدفعه براحتی ولی تهاجم سواران ایرانی بجانی با آنها نهاده و شهر از هر طرف مورد تعریض واقع گردید. در این موقع اهالی شهر چنانچه جز اطلاع داشتند و تسلیم نمودند و باستقبال سوارانی که نای حصار و دروازه ها تزدیک شده بودند شناختند.

اهالی دسته بسته با بیرقهای متعدد از دروازه ها خارج و باستقبال سوار های دویدند و تفکیک چیزی که از جلو سوار هامنهز شده بودند درین مستجدات اهالی خنی میگردیدند.

خلاصه شهر بدون قید و شرط تسلیم شد و مقابر خلیل سوار های ایران داخل شهر شده و عده از تفکیک چیزی که در قرار ایجاده ها و مسکن اهالی خنی و جتصن شده بودند خلیل سلاح نمودند. عده این تفکیک چیزی بالغ بر شصت نفر سوار و پیاده بود و پیلاوه پنج عراوه قوب سنگین هم بقیمت گرفته شد

مقادن غرب نادر شاه نا عملیه قوا و اوه شهر گردید و روز ۷ بیناسبت اطاعت و انتقاد اهالی از تمام آنها استهالت نموده و اطمینان داد که جان و مالهان در امان است. موقع ظهر آن روز اعلانی در شهر منتشر شد که کامین اهالی مشروطه بر این خواهند بود که لبیت بحکام و مأمورین نظامی مطیع صرف بوده و باقوای ساخلوئی که برای حفظ و حراست شهر و اطراف کهاشته میشود کمال مساعدت و همراهی را داشته باشند و اگر بر خلاف و فیقار نمایند شهر نا خاک یکسان خواهد گردید.

روز بعد بستوهای سوار امر حرکت داده شد و علی الطیوع عده پیش قرار اولان بطریف «پریند» رهسپار شدند. توقف خود نادر شاه بین در این محل چندان طول نکشید و پس از گذاشتن عده ساخلو در شهر و توابع آن موکب نادری بطریف هدف و سطی (کابل) حرکت نمود. روز چهاردهم پیش قرار اولان سوار نظام ایران در دهنه جبال شرقی «پریند» و «آلوهک» خر تزدیک گردیده «شیردهان» به عده های سرحدی هیند و افغانان بر خورده و مصادمه غیایان شروع شد. ولی پس از ذخیره مختصری قوای هندی از شکافهای آلوهک بطریف گردیده «شیردهان» همچنانی نمود.

و وضعیت طبیعی گردنۀ برای دفاع فوق العاده مساعد است و برای تهدید جناحین آن بیوپچوجه راه خصوصی پیدا نمیشود. علیهذا مستجات سوار نظام ایران بتدربیع دریک فرستگی «شیردهان» پیشنهاد شده و بوسیله اهالی به تحقیقات لازم راجع راههای اطراف کوهستان برداختند. همچنان چند نفر از اهالی را بمعیت مستجات کشتی اکتشاف در آن سمت فرستادند. متعاقب آن ۱۰۰ نفر پیاده با چهار عراده توب سبک در سمت عمومی حرکت آمد و مستجات سوار نیز پیشتر سر آین عده پارامی رهسیار شدند.

قبل از ظهر محاربه از طرف دشمن بوسیله توبخانه شروع گردید و در این موقع فرمانده تیپست سوار عده خود را متوقف و در داخل دره جتمع ساخت. دو جلوگردانه و تپه های اطراف آن از دور سنگر های متعددی دیده میشد و وضعیت تدافعی گردنۀ از حیث جان پناههای طبیعی و سنگر هایی که تهیه شده بود خیلی مستحکم و حفاظت آن با عده قلیل ممکن بنظر میرسید. آتش چهار عراده توب سبک قوای ایران نسبت بانها چندان تأثیری نداشت ولی بر عکس آتش کویهای دشمن با ازایها صدمه زیادی میرسانید. درین مستجات دیگر از قوای ایران که از تپه های اطراف دور زده بودند بهدف تزدیک شده و مقارن ظهر صدای تیر و تفنگ آنها بشدت هر چه تهاصر در داخل دره منعکس شده و بگوشها میرسید. و چون اهالی محل (باستثناء اهالی سیاه کوه) (۱) با قشون ایران مساعد بودند بر اهنهای چند نفر از آنها از جناح راست سیصد نفر بیاده بطرف مستجات فوق اعزام شد. هنگام ظهر مستجات مدافعن جناحین خود را در معرض تهدید دیده خط گردانه و تپه ها را تخلیه و بطرف کابل عقب نشینی نمودند. بین ترتیب معتبر میهم شیردهان آزاد شد و قوای ایران در حال ستون از این معتبر گشته حرکت خود را بست کابل ادامه دادند.

۲ - اولین تلاقی قوای طرفین: نا اسر و ز (۲۶ دسامبر) مصادمات بین های قوای پیشگوی اول بوده، ولی از دوم اکتبر که عده های افغانه برای ملحق شدن به

(۱) موقعیکه در گردنه «شیردهان» پیشگوی اول ایرانیان مشغول محاربه بودند، نادر شاه در بین راه به تقطاط لازمه از تپل (سیاه کوه) و [بازان] همه خصوصی پیشنهاد بطور اتفاق کومنشین گوش مالی داده به این وسیله خوب سر و جناحین قوا را تامین نموده،

قوای هند بطرف قلعه کابل عقب نشینی نمودند. از طرف نادر شاه حکم تحریم چندی پس از فیل
صادر گردید:

قوای عده ها دوستون حرکت خواهد نمود: ستون اول از راه (سید آهاد - شیخ آهاد -
خود کابل و کابل) و ستون دوم در سمت گردنه « با میان » (۲۲)

ستون اول نهاد سوار نظام خود را بخیلو انداخته بیهودگی آمد و ستون دوم
نیز در سمت گردنه « با میان » رهسپار گردید.

در این موقع ناصر خان فرمانده قوای هند و افغان عده های خود را در جنوب کابل
تمرکز میداد و از دربار دهلي نیز با حکم شده بود که ناورود قوای کمکی به معابر کوهستان، باید
بهر وسیله شده است از پیشرفت اردوی ایران جلوگیری نماید و لی اولاً و درود قوای کمکی از
پیشاور بطور یکه بیشینی میشد صورت نگرفت و آنایا ناصر خان با خدمت موجوه خود اجرای امر
را جلوگیری را در مقابل قوای کار آزاد و مهندسی نهاد رشاد همچنان می شمرد. علیهند این مقیم کابل
را اجباراً به پسر خود (شرزه خان) سپرده و شخصاً بطرف پیشاور حرکت کرد.

شرزه خان فرمانده قلعه بانکه علماء و متنفذین محل اهالی را بدفع دشمن ترغیب و تشویق نمود و
در نتیجه اقدامات مؤثر او در ظرف دوروز قریب ۲۱۰۰۰ نفر را می داده حاضر شدند. از این
عده دو هزار نفر در دو فرسنگی جنوب غربی کابل استقرار یافتند

قوای ایران پس از منزه نمودن قوای مقدم هند روز سوم اکتبر بمسافت یک فرسنگی
قلعه وسیله ارهی زدند و ملاجی های طرفین در حال تاس بودند
یک روز بدین منوال گذشت و از تسلیم شدن قلعه خبری نرسید. زیرا قبل از گفتگویی درین
بود که افغانیها رسولی های برق سفید فرستاده و بدون جنگ تسلیم می شوند.

روز چهارم اکتبر، بعد از حکم پیش روی صادر شد. قوای پیش قرار اول ایران چندین دسته
کشی مأمور اکتشاف را تحقیق و ضعیت استحکامات قلعه با اطراف آن فرستاده و همینکه مستجان
اکتشاف به حصار های قلعه نزدیک شدند از طرف مستحفظین قلعه با آنها شروع به شلیک

[۱۲] - یکماه قبل از حرکت عمومی قوا، به قوای مفیم [خرو] که جدید آنبار اوضاع ترکستان در فرستن فرمانی
دعا قلی میرزا قرار داشت، امر شده بود بعد از میور از گردنه « با میان » در حوال مین چاده پنه در پیش
کابل و غزنی باردوی شاهنشاهی ملحق شود.

شد و بینن ترتیب اولین محاویه جدی بین طرفین در گرفت. (۱۳)

۳ - محاصره قلعه کابل با استحکامات ناقصی که داشت، حسن حسینی عسوب نمیشد و در واقع یکی از قلاع ناقص غرور اخیری و بمنزله موقعیت مستحکمی بود که در خط دفاع قلعه خیلی از بروج آن کسر بود. هر چند شریخان فرمانده جدید قلعه، نوانست که تا اوائل محاصره نواص را تا یک درجه مسیحیاً تکمیل نماید.

شهر کابل در محل پستی واقع است که از سه جبهه بکوه های بی آب و علف محدود می باشد. رودخانه معروف به «کابل رود» هم از قسمت جنوب غربی داخل رشته جبال دره انشکیل میدهد که یگانه عبور آنچه عسوب نمی شود. خط سوق الجیشی هند به غزنین از همین دره عبور می نماید. برای حفظ این عبور از قسمت جنوب شرقی شهر از دوی ارتفاعات جبال تا خود همین دره حصاری با باروهای بالنسبة محکم کشیده شده و همین حصار از سمت دیگر تا برج «عقایین» یعنی طرف غربی شهر امتداد پیدا می کند، بعلاوه خود شهر هم دارای خندق و خاکریز های عمدی است.

ب - شروع تهاجمات نایر شاه تصمیم گرفت قوای سوار نظام را تهاماً برای سد کردن راه پیشاور و یک قسمت از بیاده را برای محاصره قلعه مأمور نماید.

در اجرای این تصمیم سوار نظام ایران در مشرق کابل روی خط (پیشاور-کابل) استقرار یافت

[۱۳] - خلاصه و قایم، نادر شاه بعد از تغییر «قر بند» و «غزنین» و کشانش ساخلو مکنی در آنجه به عجیب شهر «کابل» آنده آنچه را محاصره کرد. ناصر خان فرمانده قوای هند قبل از ورود نادر شاه از شهر کابل حرکت کرده به شهر «پیشاور» رفت ولی «شریخه خان» مدت شش هفته شهر و قلعه کابل را دلیران حفظ کرد و مکرر به ناصر خان و به در بار هند کلاغد نوشت و امداد خواست، کسی بداد او نرسید بالآخره قشون نادر شاه شهر و قلعه را به یورش گرفتند و او و پسرش را بقتل رسانیدند. نادر شاه خزینه از جواهر و اسلحه و غیره که قیمت آنها بیلی گراف می رسید و از زمان پادشاهان پاپی در زیر زمینها محفوظ بود بست آورد.

اقتباس از تاریخ هند و افغان

در ششم اکتبر ۱۷۲۸ (مطابق سوم ربیع الاول) قسمی از قوای پیاده که مأمور صرف قلعه بود مطابق اصول معمول آن قرن شروع پیماییات محاذیره گفتاره .
قوای فوق شب هفتم اکتبر خود را به تزوییت قلعه رساییده سفیده قم فازه و خورد محتری قریب « اولنگ » را متصرف شدند .

توپخانه در عبیط قلعه مشغول بمباردهان بوده ،
قریب مذکور در اول تکه واقع و تا کوه سیاه نیم قریب هشت کیلومتر باز و بیانی اشغال این مسافت بیز عده مستقلی تعین شده بوده .

خلاصه نادر شاه در عبیط اطراف قلعه کابل بیست فوج را با این اسلوب تسلیم کی خانله مأمور گردانید و در نتیجه اکتشاف تعریضی معلوم شد که برج عقایین (کلید حام سکونت ها) و برجها است و استیلای بشهر هنوط به تصرف این برج است . موضوع تصرف برج عقایین هزارای سرداران و فرماندهان قشون مطرح و در لیله هشتم قرار شد افواج لرستان و براکهه برانی تصرف این برج مأمور شود .

روز هفتم محاریه با فوائل زیاد در هر نقطه اطراف ادامه داشت ولی هنوز قوای عده شروع به تعریض ننموده بود و فقط دستیجات کشته افواج به اکتشاف تعریضی مشغول بودند .
مقارن ظهر عده از مدافین قلعه از کوههای اطراف خارج شده و میگزت بیلک کردند ولی عملیات آنها بی تیجه ماند .

در مناطق دیگر بیز نا مقارن غرب ب زد و خورد ادامه داشت : هنگام غروب باقیان شاهزاده افواج هرسین و بروجرد در سمت برج عقایین شروع به تهاجم نمودند و با اینکه موقیعت شان خیلی نامساعد و خطرناک بود معهذا حتی المقدور بیش روی آنها در نحت حایت آتش توپخانه انجام مییافت . مقارن ساعت ۱ شب دشمن در نحت فتنه مهاجمین مواضع مقدم را تخلیه نمود و موضع مزبور بتصرف و اشغال ایرانیان در آمد و با این ترتیب از سمت مغرب استحکامات بشهر صتری پیدا کردند .

شب بدون حادنه گذشت و از صبح روز هشتم مجدداً در اطراف قلعه محاریه شروع شد .
در سمت مغرب حدود منطقه عقایین جنگ شدید و خوبینی در گرفت ، زیرا ایرانیان شبانه توپهارا بمواضع اشغالی حمل نموده و در تمام مدت روز برج عقایین را هدف آتش توپهای خود قرار داده بودند

دو تپیچه بمباردمان توپخانه طرف عصر باستحکامات برج خرابی زیادی رسید و راه تعرض بیاده بگزید. لهذا از افواج بختیاری، لرگی و ترکن یک عده داو طلب شده و با گلار تهور و رشادت خود را یقظه کوه رساندند و از آنجا به داخله برج خپاره های دستی اندداختند و مدافعين را بجبوریه خارج نمیاند از برج نمودند.

دو تپیچه این عده داو طلب افواج لرستان که صفوی حمله را تشکیل میدادند ها قدم دو بخود را به آن نقطه رسانیده و موآضع متصرف را توسعه دادند ولی تیکی وقت و تاریکی شب افانعه عملیات را بیش از این اجازه نداد.

دو سایر مناطق بیز بیش قوهای مهمی شده بود و آن شب را قوا طرفین بحال هوشیار و حاضر السلاح بسر برداشتند و حتی در بعضی نقاط لیز مصادمات مختصری بوقوع پیوست.

روز بعد ۹ آکتبر از ارتفاعات مشرف به قلعه کابل بوسیله توپهایی که مستجهات داو طلب پا آنجا کشانیده بودند بطرف قلعه بمباردمان شروع شد. مواضع مهم تدریجیاً از تصرف مدافعين خارج شد و تیر های توپخانه ایرانیان با کثیر بناها و عمارت حکومتی خرابی و خسارت عده وارد آورد. (۱۴) امروز پیشرفت مهم فقط در این منطقه بود و قسم عده قوا در پشت این منطقه تمرکز یافت. اگر توپخانه موجوده برای تمام محیط قلعه کافی بود، قلعه حتماً همان روز سقوط می کرد ولی در سمت جنوب شرقی آن هنوز اقاطی مانده بود که کاملاً تحت حصاره و فشار مهاجمین در نیامده بود. علیه این قسم از سوار های مدافعين شبانه از آن سمت خارج شده از پیراهه بطرف پیشاور فرار کردند. خارج شدن این عده برای مدافعين بهتر بود زیرا اینها در شهر کاری جز گردش در کوچه ها و ماسبانی نداشتند. در هین شب ایرانیها در نقاط دیگر هم حمله نمیبرند ولی موقعیتی بنت نیامد و زد خود را مسبع ادامه داشت. روز بعد ایرانیها مجددآ شروع به تعرض نمودند و مدت چهار روز لاینقطع محاربه در محیط قلعه دوام داشت.

دو هفته ششم ایرانیان از هر طرف شروع به تعرض نموده و جنگ سختی درگرفت. روز آخر عصاره ایرانیها در طول قلعه مجددآ بحملات شدیدی مباردت ورزیدند ولی آن روزم حلات آنها از طرف لفاغیه و هندیها دفع شد. خصوصاً شرذه خان بی نهایت فداکاری بخراج داد. شب بعد ایرانیها هجوم کرد و موفق به تصرف بعضی از استحکامات قلعه شدند.

ج — سقوط قلعه: فرداي آن روز هار نادر شاه خام افواج بالادلك شهر هجوم آور شدند و در از آين تهاجم استعجارات هم قلعه سقوط يیدا کرد و يك قسمت از مدافعين که شرذه خان هم جزو آنها بود از طرف شمال قلعه خارج شده و بحال ههاجم موفق بفرار گردند. اهالي با اين وضعیت سو تسلیم و اطاعت چاره ندیدند، جمعی را ازین خود انتخاب و برای اظهار اتفاقیاد بازموی این اعظام داشتند، نادر شاه از جسارت جاهلانه آنها در گذشته اس و مقرر فرموده در سوری که کلیه خواران و خزان دوست را به مأمورین اردو تحويل مایند، از تأدیه غرامت جنگ هم عذاف خواهند بود. اهالي بیز اس معظلم له راعیناً اجرا نمودند و خام خزاره و قورخانه که در عمارت ارک محفوظ بود تحويل صاحبمنصبان قشون ایران گردید. از جمله خناتس که به تصرف قوای ایران در آمد ۱۰۰ زنجیر قبیل و مقدار معتبر آذوقه بود. غلها به قسمت تقلیه سپرده شد و آذوقه هم بین افواج تقسیم گردید. از اهالي شهر تیز عده را داخل خدمت قشون نموده برای خدمات راه سازی و تعمیر راهها و بعضی بیکاریهای دیگر مأمور ساختند.

پس از تصرف قلعه کابل دیگر در روی خط سوق الجيش هندوستان مانع نبود که بود جز معتبر «خیبر»، عبور از معبر سوق الجيش هندوستان بسیار مشکل بود. سرف نظر از هموالم طبیعی و جنگی، چون دو عملیات اولیه در عرض راه از [قدھار — ناکابل] بکلیه دواب تقلیه قشونی خدمه زاده وارد شد بود، لهذا نقشه فرمانده کل قوای ایران براین شد که چندی در حدود شهر کابل توقف نماید ناگر از قشون و دواب تقلیه رفع خستگی نموده و ضمناً نوافس کارهای قشونی را امر تقع سازند همچنین در اطراف خطوط سو الجيش اقدامات لازمه را اتخاذ نمایند که بین وسیله از خطرات عقب سر و جناحین آسوده باشند.

مطالعه — پس از محارباتی که در افغانستان بوقوع بیوست بدر صلحه جنگلشترین سکوت و آرامش نمای حکمفر ما شد: هندیها بواسطه عدم موقیت در محاربات افغانستان بجهو امتنان رسیدن قوا از (نهل) شدند و ضمناً فرصت را غنیمت شمرده میخواستند قلاع شمالی پیشاور و لا هور را حفظ نمایند. از طرف دیگر ایرانیها هم لمبتوانستند از افغانستان بطرف مشرق حرکت کنند زیرا اولاً قوای آنها کافی بود، تانیاً زمستان سختی در پیش بود و تانیاً مسافت طولانی افراد و دواب را طوری خسته کرده بود که بدون راحتی باش بزرگ عملیات بیش روی غیر ممکن بود. لهذا طرفین قریب چهل و شش روز در اردوگاههای خودساخت ماندند یعنی ایرانیها در حدود کابل خیر و هندیها در پیشاور و لا هور.

فصل سوم

عملیات در معتبر خیبر

حرکت اردو بطرف تنگه خیبر

۱- طرح جدید عملیات قشون ایران: چنانکه در فصل دوم ملاحظه شد، نادرشاه با سقوط قلعه «کابل» هنوز نتیجه قطعی را بست نیاورد. اگرچه در تهاجم اولیه قوای متفق هندوستان در جبهه افغانستان کاملاً مغلوب و منکوب شده بود، ولی چون قوای خود هندوستان هنوز دست نخودده نبود و ممکن بود در عقب سر معتبر خیبر (۱۵) و در مشرق سد رو دیز رک «سند» (که دارای ۲۱۰۰ کیلومتر طول میباشد) و در جبهه که از کوههای هندوکش تا دریای عمان امتداد مییافت قوای هند بجدیداً جمع آوری و تمرکز یابد.

بنا بر این احتمال، نادرشاه ساعی بود هرچه زودتر از خاک افغانستان بجانب هندوستان حرکت و فرصت خود آرائی بدشمن ندهد. ولی چون ستون شاه (نخست فرماندهی رضاقلی میرزا) هنوز رسیده بود و مطابق رایت واصله ستون منور در اوائل ماه نوامبر بقوای عمدۀ ایران ملحق میشد، لذا نادرشاه حرکت اردو را قدری بتأخیر انداده و پس از خاتمه امورات داخلی «کابل»، قریب «هندک» را در قرب جوار کابل برای اقامت اردو انتخاب نمود. این قریب از حیث آب و هوا و داشتن منابع سبز و خرم برای اقامت اردو کاملاً مناسب بود. ضمناً تیپ سوار (بیک افشار) را تا نیم فرسنگی جلال آباد حرکت داده، مراسله به محمد شاه نوشت و دو نفر از رجال افغانستان را با قاصد مخصوص حامل مراسله به پایتخت هند روانه نمود که حقیقت امر را به محمد شاه مکشوف ساخته و باو بفهماند بعد از سقوط قلاع مهم افغانستان که در واقع در بهای سوق الجیشی هند محسوب است اقدام مقابله و جنگ جز خرابی مملکت سودی نخواهد داشت.

(۱۵) معتبر خیبر، یکی از مشهور ترین تنگه مشرق زمین میباشد که قمّا آن را کلید شمالی هند مینامیدند.

ولی متأسفانه این مراسله بمقصد نرسیده (۱۶) و قاسدها بالآخره بقتل رسیدند. (۱۷) پس از آنکه نادرشاه بوسیله سیاست توالست مصالحه بجهات را فرام حابد، مجدد آبرای تعرض سریع تصمیم گرفت. از طرف دیگر برای تأمین آنوقه و تهیه سیورسات اردو مأمورین باطراف خرستاده شد - و پوشش راه هفتاد تیز بوسیله قوای سوار نظام کامل و آنهم گرفت. در این بین چون ساکنین قسمت شرقی افغانستان هنوز تخت اطاعت در نیامده بودند و بیم اغتشاش و مزاحمت از آنطرف میرفت، لذا اردوی مخصوصی برای انتیاد طوایف آنحدود اعزام گردید و در نتیجه مصادمات مختصری طوایف آنچهارا مطیع و خلخ سلاح تقویه با غنائم زیادی به « هندک » مراجعت نمود. نادرشاه از بیشترت سریع عملیات اردو بی اندازه خوشوقت شده و از نقطه نظر اینکه حتی المقدور از تسداد اشاره اردو گردانگشان محلی کاسته باشد به تمکن و اطاعت ظاهری و قوای طوایف مذکور قناعت ورزیده از اغلب آنها بایجوانی نموده و اسر کرده دهه از افراد خود را داخل خدمت قشون نمایند. (۱۸) در این موقع قوای سوار نظام که قبل از طرف مشرق اعزام شده بود قبیه (جلال آباد) و پس از تصرف و اشغال و قسمت شرقی آنچه را بصورت تدافعی در آوردند. در نتیجه قوارگاه کل از فریه « هندک » به « جلال آباد » انتقال یافت. اهالی جلال آباد و نواحی اطراف برای هر نوع خدمتگذاری حاضر و آماده شدند.

روز هشتم نوامبر ستون شهال بفرماندهی رضاقلی میرزا واده « جلال آباد » شد و دو جنوب جلال آباد در محلی موسوم به « تمکه ده » اردو زد. عده ستون هزار که مالخ بود پانزده هزار هزار بود فردای آنروز از سان هایونی گذشت. چون این ستون از مسافت بسیار دور رسیده بود

(۱۶) حاکم جلال آباد نایبند نادرشاه را از رفقن به یانختهند منع بلو و هر اهانی چنین حال نمود که این مسافت شما با این یعنایات مهم خطر عظیم دارد و شما وجه مصالحه خواهید شد، آنها هم این صلاح یعنی حاکم را بگوی کرده از حرکت خود داری نمودند.

(۱۷) نادرشاه قاصد عارا مجازات نموده، و شخص دیگری را برای اینقصد به « دعلی » فرستاد. از تاریخ ذرا کشش اول اقبال شد.

(۱۸) فرماندهان بزرگ ذریفونجی اندامات سیاسی خود را با حرکات توقیقی و تهیه ایشی نوایم کرده در داخله مملکت و در خارجه نهایات و اظهاراتی که بر ضد قشون داده بیشود ساکن نینهادند نادر موتهم مقابله با فر افت خیال و اطمینان کامل بپراهمی دولت و ملت مشغول طرح لشته و ایزای آن گردند. سیاست تنها مبارزه دولت خواهد بود.

ابوضاع و احوال آن بنظر فرماده کل قوا خیلی پریشان آمد، اغلب افراد آن فاقد اسب بودند و آنهایی هم که اسب داشتند اسقاط و بی پا شده بود.

تجهیزات دواب خراب بود و در حدود یک تلث عده اسلحه و ملبوس مرتبی نداشتند. مشاهده پریشان حالی این عده باعث ناگف فرمانده کل قواشد، زیرا رؤسae قسمتهای مختلفه ستون لا اقل میتوانستند در کستان غربی که اسبهای همتاز و ارزان دارند نواقص ستون را لزجیت اسب مرتفع خایند برو هر چیز باجرشاه امر داد بفوریت برفع نواقص این ستون بپردازند. هم فرماندهان (مین ها) و معاونین آنها هر یک در رأس اسب یکی برای سواری و یکی جهت حمل بنه خریداری کنند.

تبیه دواب برای این ستون بعده اهالی کابل و اطراف آن مقرر گردید و اسلحه خراب افراد با تفکهای خزن کابل معاوضه شد و لباس عده هم در ظرف سه روز بوسیله خیاطخانه اردو فراهم آمد.

نظر بجهنکهای متواالی در رکستان و شمال افغانستان و مشقات و زحمات زیادی که افراد ستون در مدت مأموریت خود نتحمل نموده بودند، بکلی خسته و فرسوده شده و روحیه شان بنظر خوب نبود، علیهذا عده از افراد ستون را با افراد قسمتهای جدید تعویض نمودند و بعلاوه در تشکیلات داخلی ستون هم تغییراتی دادند.

برای تشویق و ترغیب صاحبمنصبان و افراد این ستون و بپاس خدمتکاری و فداکاری آنان، نادرشاه هر یک را پر اخور حال و مقام او با عطاء پاداش مقتخر گردانید. رضاقلی میرزا فرمانده این ستون را بیای تخت (اصفهان) تعاویت داده سرتیپ حسینقلی خان را بجای وی به فرماندهی ستون شهر انتخاب فرمود.

۲ - تعرض به تندگه خیبر - هر حیث مهیای تعرض شده بود، لذا نادرشاه بیش از این معملی را جایز نداسته حکم تعرض فالوی را در جلال آمده بین ترتیب صادر نموده ستون اول سوار نظام تخت فرماندهی « یک افتخار » بطرف « پاریکاب » حرکت و جنایجین رام (جلال آبادی - پاریکاب) را تا یک فرسنگی تأمین نموده با استفاده از عوارض زمین نسبت به قوای هنپیو و افغان که در کوههای اطراف و در (دیکلا) استقرار دارد، تولید ذخیرت و ایشکال نمایند.

ضمناً از تعرض این قوا بخط سوق الجیشی مانع شده باشام وسائل مکته از محاوره جدی با قوای افزون تر هندی اختراز خایند چنانچه اجباراً داخل مغاربه شوند ازستون شهال سابق الذکر که در پشت سر آنها در حرکت است استمداد بطلبند.

ستون دوم سوار نظام بمسافت بیم فرسنک به نماق卜 ستون اول حرکت نموده و هر آن حاضر به کمک و تقویت خواهد بود.

فرمانده پیاده نظام عزیمت افواج خود را یک روز بعد از حرکت سوار معین و راه پیشائی آنها را اداره خواهد نمود.

طرح تعرض به نکه خیر در آئیه معین خواهد شد.

روز ۱۱ ماه شعبان (مطابق با نهم نوامبر) بنا بر حکم فوق تمام قوا در سمت مشرق بحرکت در آمد.

ستولهای به تأثی روزی پنج فرسنک راه می پیمودند و انتظام امور راه پیشائی در طول خط سیر قوا موجب اطمینان خاطر فرمانده کل بود. قرارگاه کل بین ستون های سوار و پیاده حرکت نمیشود.

در روز ۱۲ ماه پیش قرار لان ستون اول سوار قریه مهم «باریکاب» را بدون حادثه اشغال و تمام اردو هم پس از دور روز بمحل مزبور رسید.

روز ۱۳ ستونهای عمدی در روی خط سوق الجیشی و ستونهای فرعی از جناحین این خط و از پیراهن بحرکت در آمدند.

روز ۱۴ ستون عمدی پیاده نظام راحت باش نموده و قسمتی از سوار بحال پیاده در یک منطقه وسیعی با کشافت و تجسسات پرداخت.

روز ۱۵ کلیه قوا متعاقب هم شروع بحرکت نموده توپخانه از قسمت مؤخر ستونها بطریف خط اول نقل شد و پشت سر آن یک عده چهار هزار نفری که مأمور تهیه و ترتیب منزلگاه بودند حرکت نمودند. روز ۱۶ ماه شعبان ستونهای سوار نظام قصبه (دککا) را بدون مقاومت اشغال کردند. روز ۱۷ تمام قوا وارد قصبه مذکور گردید.

مدت دو روز کلیه قوا در (دککا) استراحت نمودند و روز هیجدهم چندین گشتنی اکتشافی پیاده و سواره در سمت عبور خیر و اطراف اعزام شدند. روز توزدهم نتیجه اکتشافات و اطلاعات

گفتیها بعزم نادر شاه رسانید و برطبق آن معلوم شد عده معتبری به از قوای دشمن برای حفظ و حراست معبر «خیر» مأمور است و خود ناصرخان فرمانده قوای مقدم هندم با قوای عمدۀ در حدود «جرود» مراقب تمام خطوط جاده جنوبی است.

در قریه «دککا» نادرشاه شروع بیک رشته تحقیقات کامل از اوضاع جاده «جرود»- پیشاور «نموده و در نتیجه معلوم شد که جاده مذکور هر چه تر دیگر به تنگه خیر میشود» بهان اندازه سخت نر و سعب العبور نمیگردد. بعلاوه در ضمن تحقیقات معلوم شد که از کوه معروف به «نه جوبه» هم راه عبوری بطرف «جرود» موجود است که بمراتب مشکلتر از جاده معمولی است و بطریق احاطه از نزدیکی تنگه «خیر» گذشته به «جرود» میرسد. بمناسبت اشکالات طبیعی این محل قشون هند از حفظ آنها چشم پوشیده و عجاله در آنحدود عده مستحفظی وجود ندارد. در صورتی که قسمتی از قوای بتوانند از این راه سخت عبور نمایند در عقب قوای مقدم دشمن (ناصرخان) سر درخواهد آورد. (۱۹)

نادرشاه پس از تفکر زیاد تصمیم گرفت که از هین خط حرکت نماید و با وجود بودن طوایف زیاد حرکتی راه خود را به پشت قوای خصم برساند.

این مطلب را در رده داشته و خیلی مراقب بود که احتمالی بقصد آرایش جنگی او بی نبرد- و برای این که بکلی خیال دشمن را از این رهگذر منصرف و به نقطه دیگری جلب نماید، یکمده عملیات از فوج تقلیه را برای تسطیح جاده معمولی «خیر»، اعزام و بکار وا داشت. در روز بیهیمن منوال در تحت نظریات شخصی خود افراد تقلیه را با عملیات محل مشغول بمرمت و اصلاح جاده سوق الجیشی نمود، بطوری در این عملیات جدیت بخراج میداد که برای دشمن یقین حاصل شد که قوای ایران قطعاً از این جاده دبروی آنها حرکت خواهد نمود و بیهیمن جهت ناصرخان فرمانده قوای مقدم هند و مدافع خیر در صدد استحکامات مواضع مقدم «خیر» را آمد. (۲۰) روز ۲۱ ماه تیریات لازم بطور صحیح اتخاذ گردید، نزدیک غروب نادر شاه افشار یکمده

[۱۹] - قشونهای منول و قنبله از این معبر عور میگردند قریب نشست هر یک نفر تلفات دادند.
- اتفاقاً نهادن از تاریخ توکستان -

[۲۰] - دو روز قبل هشت عراوه توپ برای مید «خیر» از «پیشاور» به اطراف منرب حرکت نمود: ولی عملیات دورانی ایرانیان مدافعت خیر را بر هم زد و توپیها بعتصمند نمیشدند و در وسط راه ماند - از کتاب فضیلی ییک -

از قیزلا را انتخاب نموده. بهتر اهن خود از رله « پنه جویه » بستهست. « جزوود » مکالمه بیت خبر چه متن هستیار شد. شش فوج پیاده نیز برای تعریض به داخله تنگه معین و شهان ساخت. حرکت نمودند. و معاشرانه توب برای کک در تعقیب آنها حرکت و دو هزار نفر پیاده برای پنهان چهاری اینها انتخاب شد که آنها را تفکهای کوتاه و سریزه های مرغوب مسلح بودند و مأموریت داشتند و قیکه افواج پیاده به تنگه « خیر » حل و شوند اینها هم از جنایین به کوههای سطزین هجوم آوردند.

[نقشه نمره ۳]

پنج فوج پیاده با دو هزار قدم قابل در پشت سر افواج مقدم حرکت نمودند. برای اینکه در شب تاریک افراد افواج مقدم را فوجهای خط دوم ارتیاط تحقیقی داشته باشند صاحب منصبان بسیار جسور و متهور و تحریره دیده انتخاب شدند.

بعد از نصف شب این عدد به دهنده معتبر رسیده در تعقیب یکدینگر بطور تأثی شروع به تعریض مینمایند.

موقعیکه این عدد ها از سمت مغرب به معتبر فشار میاوردند. نادر شاه هم از طرف جنوب شرقی مشغول اجرای حرکت دورانی بود. نادر شاه شخصاً در جلو عده و یگه سواران و پیادکان رشیدش از عقب ناکمال عجله در آن ظلمت شب در کوهها حرکت نمودند و برای طلوع فجر خود را بر شته جبال عده رسانیده نهایت ناب و تحمل را در عبور از آن معابر سخت بخراج دادند و مقارن ظهر نادر شاه با قشون خود وارد خط سوق الجیشی پیشاور - خیر کشت که در این موقع لفواج در دهنده غربی معتبر ناکمال رشادت به مواضع هندیها تعریض میکردند.

در این موقع فرمانده قوای مقدم هند بتوسط سوازن نظام عقب دار خبری دریافت نمود که قوای ایران خط عقب روی را بریده از سمت مشرق به تنگه تعریض میکند. ناصر خان فوری از مقصد نادر شاه مطلع گشته ولی وقتی این خبر به وی رسیده بود که حاجی بیک افشار فرمانده پیشگرد اولان نادر شاه در یک فرسنخی محل مشاورالیه بود، طوری وحشت و اضطراب در اردوی ناصر خان پیدا شد که مشارالیه صلاح خود را براین دید از « جزوود » بطرف « سند » عقب نشینید و پنهانیت این مقصود بطور طبیعی بموقع اجرا کذا داشد.

عقب نشینی سریع قوای ناصر خان از پیراهن هام قوای هند متوقف « خیر » را در مملکه انداخت. سیون هتجوک ایران به قطع رام عقبیه نشینی و عاصمه قوایی « خیر » پر دیلشی نمیزند.

و رئیس قوای مقیم تنگه (خیبر) از عقب نشینی ناصرخان بی اطلاع بود و پشت سر و جناح چپ خود را محفوظ میبیندشت و از جبهه با اردوی دوم ایران مشغول زد و خورد بود ولی بعد از نیم ساعت از قضیه مسیو شده فوج [lahor] را مأمور مسدود نمودن راههای اطراف نمود.

هراین موقع ستون دورانی ایران در مشرق معتبر با عقبدار قوای ناصرخان مختصر زد و خوردی نموده و آنهمه اینه برای قشون چندان تیجه نداشت و بمغلوتی هندیها خانمه یافت و ناصرخان یکعده را سالمًا به پیشاور رساند ولی قسمت دوم در معتبر هاند.

نافرشاه با ستون خود، واضح تخلیه شده را تصرف نموده کلیه آنانه و آنوه و قورخانه اردوی ناصرخان را بتصرف در آورد.

موقع ظهر نادرشاه یکعده را از سمت مشرق با طرف مغرب به تنگه «خیبر» فرستاد که در این موقع افواج اردوی دوم ایران هم بداخله تنگه رسیده هندیهای مقیم معتبر را کاملاً بقتل رسانیدند بعد از فتح خیبر قشون ایران در دهنۀ شرقی معتبر برای اینکه بقیه قوا از «دککا» بر سرده چهار روز در «هزارگاه» اقامه نموده و سوار نظام را نازدیکی شهر پیشاور اعزام داشت و در ظرف این مدت تمام وسائل نقلیه که از قوای مقدم هند بدست آورده بود بین قسمتهای قشونی تقسیم کرد. تلفات ایرانیها ۲۰ نفر صاحب منصب و ۰ نفر نایین بود – از هندیها قریب صدهانفر نایین بقتل رسید

مطالعه

علت شکست خوردن قوای مقدم هندیها اولاً بواسطه تفوق کلی قشون ایرانیها. ثانیاً نقدۀ جدی و مخفی نادرشاه بود که بدون اینکه کسی از خیال معظم له مسیو بشود ها کمال سرعت و قطعی انجام گرفت. ثالثاً چون ناصرخان بیش از وقت عقب نشینی مبادرت نمود و به قسمتهای مقیم تنگه «خیبر» نیز اطلاع نداد، بین جهت تلفات و ضایعات زیادی بقوای هند وارد آمد. رابعًا قوای روحیه هندیها قبلًا خراب شده بود.

عملیات ایرانیها در این حاربه دارای محسنات ذیل بوده:

- ۱- طرح تهاجم و عبور از گردنۀ های اطراف را از روی دقت و عاقلانه تهیه نموده بودند.
- ۲- از عوارضات طبیعی بخوبی استفاده میکردند.
- ۳- حلات و حرکات دورانی را با سرعت و شهامت انجام میدادند.
- ۴- تمام افراد صاحب منصب از لیت و شجاعت فرمانده کل قوا مسیو و مطیع صرف نداشتند.

فصل چهارم

عملیات در خاک هندوستان

۱ - شرح وقایع بطور اختصار - « بعد از فتح (خیر) قشون ایران وارد خاک »
 « هندوستان شد . نادر شاه عده قشون را »
 « (در نازگاه) عقب گذاشت و خود با اه هزار سوار نظام منتخب چهار روزه به بحیط شهر [بیشاور] رسید »
 « ناصر خان فرمانده قوای نظامی هند با هفت هزار سوار نظام بیرون شهر اردو ڈد بود و گران مکرده قشون »
 « ایران بعد از عبور از خیر، در درینها مدتی مطلع خواهد شد . چون خبر رسیدن قوای سریع السیر نادر شاه را »
 « آسوار زیاد شدید بروحت انتداد و جمی از اشخاص که امداد او جدیداً از [لاهور] آمدند متفرق شدند »
 « عده قلبلی بجز نوکر رکابی با ایشان ماند . ناصر خان بفوریت در مغرب شهر، جبهه تشکیل داده با عده قلبل خود »
 « شجاعانه مقاومت کرد ولی بالاخره شکست حورده و ناصر خان فرمانده قوا اسیر شد . بعضی از افغانه که در سر کوههای »
 « اطراف متفرق و منتظر نتیجه جنک بودند، همینکه غلبه تأثیی نادر شاه افشار را شنیده آمدند و استدعای خدمت »
 « نمودند، بعد از این فتح، نادر شاه داخل شهر [بیشاور] شد و آنجا را متصرف کردید »

۲ - موارد پیش اور - قوای مقدم هند پس از آنکه معابر شمالی هند را بدست قوای ایران داد در شهر (بیشاور) مجدها با قوای جدید الورود اردوئی تشکیل داده، برای حفظ شهر مزبور مشغول تحقیقات شد که اقلامدستی جلو قوای ایران را در بیشاور گرفته با چند فوج جدید از داخله هندوستان به آنها ملحق شود و تأثیرات مخربات خونین اخیر هم قدری از خاطرات افراد محظوظ در ضمن سراسله به بیلات شمالی هند نوشته و از آنها استعداد خواست در این موقع قوای ایران از (نازگاه) روز ۲۷ ماه شروع بعرض مینماید و در ضمن هیئتی برای قائم نمودن فرار ایان افغانه که به خاک هند بناه برده و در سر کوههای متخصص شده بودند نزد آنها فرستاد که قراولی با آنها بدهد (۱۸) نادر شاه سپاهی از تمام سوار نظام تشکیل

(۱۸) -- مأمورین ایران با فرار ایان داخل مذاکره شد و آنها هم چون دیدند از صوبه داران هند امدادی نمیسرد تکالیف نادر شاه را بتوان کردن . چهارین جلسه بود که از مواجب و مرسوم آنها دیناری نرسیده بود مأمورین ایران با حکم نادر شاه مبلغی با آنها تقد داد بعد جمی از آنها داخل قشون ایران گردیدند و افغانه دیگر که این خبر را شنیدند آنها نیز متابعت کردند -- از تاریخ مفول اقتباس شد

داده با ده عراده توب بسرعت بطرف پیشاور حرکت نمود ولی قوای عمدہ یکروز بعد از سپاه سوار
حرکت درآمد.

بین ترتیب سپاه سوار منتخب نادرشاه در ۹ ماه شعبان قبل از ظهر خود را به نیم فرسنگی
شهر پیشاور رسانید. ولی بواسطه میافرت طولانی و فوق العاده سریع (از حاضرگاه تا پیشاور)
قسمت اعظم اسبابها از تا درآمده مجرروح شدند و خیلی از آنها هم درین راه ماندند، توبخانه نیز
در عرض زاه گیر کرد. نادرشاه با عده باقیانده ناچیط شهر رسیده فوراً حکم تهاجم را صادر نمود
بموجب حکم عمومی سپاه سوار به دوازده ستون تقسیم و برای هر یک از آنها راههای
تعریضی تعین گردید و نادرشاه در خط عمومی خبربر - پیشاور حرکت مینمود.

در هجوم اول قشون هند قدری با فشاری کرد ولی در تهاجم آنی موافع خود را تخلیه
کرده بطریف شهر فرار کردند.

فرمانده قوای مقدم هند؟ با قرارگاه خود اسیر شد و نادر شام بلاد رنگ بطرف شهر حرکت کرد.
هینکه ستونها تزدیک شهر شدند جمعی از محترمین به استقبال شتافته دروازه های شهر را برای
ورود قشون ایران باز نمودند.

نادرشاه این هیئت را با کمال مهر بانی پذیرفته و بطور یکه سابق ابتوسط رسولان خود قول داده
بود که بهیچوجه متعرض جان و مال احدی نشود، بهان عهد و فانموده اطمینان کامل به آنها داد.
ناصرخان فرمانده قوای مقدم هند چند روز محبوس بود. بالاخره نادرشاه اورا در جزو وزرای
خود معین و سرافراز گردانید.

مطالعه

چون محاریه پیشاور در وضعیات طرفین نهییری نداد لذا چندان اهمیت سوق الجیشی نداشت
ولی از نقطه نظر روحیه و غنائم جنکی حائز کمال اهمیت بوده است.

اولاً هندیها یک شهر پر ثروت و حاصلخیز را از دست دادند.
ثانیاً مضم بودند که تا رسیدن قوای عمدہ از «دھلی» بیک محاریه قطعی اقدام نموده
جلوی همچه ایرانیان را یکپنیند. ولی نه تنها موفق نشدند بلکه قوای مقدم آنها کلی از بین رفت،
یعنی یک قسمت عمدہ با قرارگاه خودشان اسیر، قسمتی دیگر محوشند و یک عده هم باطراف فرادی
و متفرق گردیدند.

فصل چهارم

عملیات در خاک هندوستان

۱ - شرح وقایع بطور اختصار - « بعد از فتح (خیبر) قشون ایران وارد خاک »
 « هندوستان شد . نادر شاه عده قشون را »
 « (در نماز گاه) خب کذاشت و خود باه سوار نظام منتخب چهار روزه به محیط شهر [پیشاور] رسید »
 « ناصر خان فرمانده قوای نظامی هند با هفت هزار سوار نظام منتخب شهر اردو ذده بود و گمان میکرد که قشون »
 « ایران بعد از عبور از خیبر، در دربندها مدتی مغلط خواهد شد . چون خبر رسین قوای سریع السیر نادر شاه را »
 « آسوار فرید شنید بوحشت افتاد و جمی از اشخاص که به امداد او جدیداً از [لاهور] آمد بودند متفرق شدند »
 « عده قلیلی بجز نوکر و کاری با ایشان ماند . ناصر خان پیوریت در مغرب شهر، جبهه تشکیل داده باعده قلیل خود »
 « شجاعلخانه مقاومت کرد ولی بالاخره شکست خوردند و ناصر خان فرمانده قوای سیر شد . بعضی از افغانه که در سر کوههای »
 « اطراف متفرق و منتظر تیجه جنگ بودند، هینکه غلبه تانوی نادر شاه افشار را شنیده آمدند و استدعای خدمت »
 « نمودند، بعد از این فتح، نادر شاه داخل شهر [پیشاور] شد و آنجا را متصرف کردید »

۲ - مخادر، پیش اور - قوای مقدم هند پس از آنکه معابر شمالی هند را بدست قوای ایران داد در شهر (پیشاور) جدیداً با قوای جدید الورود ارودی تشکیل داده، برای حفظ شهر مزبور مشغول تحکیمات شد که افلاآ مدتی جلو قوای ایران را در پیشاور گرفته تا چند فوج جدید از داخله هندوستان به آنها ملحق شود و تأثیرات مخابرات خونین اخیر هم قدری از خاطرات افراد محو گردد و در شهر سراسله به ایلات شمالی هند نوشته و از آنها استعداد خواست در این موقع قوای ایران از (نمازگاه) روز ۲۷ ماه شروع بعرض میباشد و در ضمن هیئتی برای قانع نمودن فراریان افغانه که به خاک هند پناه برده و در سر کوهها متحصن شده بودند فرآ آنها فرستاد که قراری با آنها بدهد (۱۸) نادر شاه سپاهی از تمام سوار نظام تشکیل

(۱۸) - مأمورین ایران با فرار ایان داخل مذاکره شد و آنها هم چون دیدند از صوره داران هند امدادی نمیسرد تکالیف نادر شاه را بقون کردند . چهار نجسال بود که از مواجب و مرسوم آنها دیناری نرسیده بود مأمورین ایران با حکم نادر شاه مبلغی با آنها قدر داد بعد جمی از آنها داخل قشون ایران گردیدند و افغانه بیگر که این خبر را شنیدند آنها بقیه متابعت کردند . — از تاریخ مغول اقتباس شد —

الف - موقعیت قوای هند

پس از آنکه قوای مقدم هند ازین رفت، درین قوای ایران و هند یک مسافت بزرگی بیداشد، یعنی از اینان در شهر پیشاور و هندیها از لاہور تا داخل در روی خط سوق الجیشی متفرق بودند و رودخانه مهم «سند» هم درین مناطق میان خط فاصل طبیعی بود.

دولت هند قوای را که در «لاہور» تمرکز داده بود، بیش از هفت هزار نفر نبود. هندیها برای حفظ تمرکز قشون زیاد عجیب بودند که اولاً از تعریفات سپاه سوار نظام جلوگیری کنند و تأثیحی امکان از عبور قشون ایران از رودخانه «سند» مانع نمایند. ذکر با خان فرمانده قوای مقیم (لاہور) برای این مقصود از قوای موجوده خود دو ستون کوچک تشکیل داد. یک سرکب از هزار نفر پیاده و دو عرباده توب در آخر ماه دسامبر بخط (انک - گلروود) اعزام و مأمور شد که در صورت عبور قوای ایران از آنها جلوگیری نماید.

دیگری سرکب بود از یانصد نفر سوار و پنج عرباده توب در ساحل شرقی رودخانه «سند» در نزدیکی «ماردان»، توقف نماید و از عبور قشون ایران از رودخانه سند مانع بعمل آورده با دستگانیکه از ایالت «پنجاب» خواهند آمد تقویت باقته متحداً نگذارند قوای ایران از آن راه داخل خود هند کردد.

ذکر با خان فرمانده قوای لاہور بطوری که لازم بود شهر را مستحکم کرده و شخصاً در بیرون شهر سنگرسته و اطمینان اشتباق بدفع دشمن مینمود.

قوای سوم هند در «شاه جهان آباد» استقرار داشت و عده قوا هم نازه از مایتخت بطرف صحرای «کرمال» حرکت کرده بود.

ب - عبور از رودخانه «سند»

موقعیکه قوای ایران در پیشاور مشغول استراحت بود، نادر شاه توسط سوار نظام اراضی بین رود سند و پیشاور را اشغال و نا معب رودخانه دستجات مخصوصی روانه کرده در طرف غربی آن نقاط مهم را قبلاً نبیط و قراولهای زیادی استقرار داده بود.

روز ۲۵ نوامبر قشون ایران با دوستون بزرگ از «پیشاور» حرکت نمود و لی دو مانع مهم برای قوا در بیش بود. یک عبور از رودخانه سند و دیگری وجود قلعه «انک» که در ساحل شرقی

رود سند بنا شده بود.

رودخانه « سند » از شمال نا جنوب حدود غربی هندوستان را مشخص و درین ایران و هندوستان دیوار طبیعی تشکیل مینمود که عبور از آن بس مشکل بود. رود سند بهم خروج از دره های شمالی ننجاب داخل چلکه جنوبی ولایت پنجاب شده جریان آب آن در این قسمت بسیار سریع میگردد. خط سیر آن اغلب در اراضی دُس وشن زار است. عرض رود در خط سیر سوق الجیشی (پیشاور - لاہور) در بعضی نقاط به دوهزار متر بالغ میگردد و در حقیقت برای عبور قشون مانع بزرگی محسوب و طبعاً یک خط مدافعه مستحکم را تشکیل میدهد. بهمن ملاحظه از قدیم الایام در حدود معتبر خط سوق الجیشی قلعه محکمی بر روی قطمه سنگی بزرگ در ساحل شرقی رودخانه ساخته شده که از چهار طرف محصور بدیوار و خندق عمیق است و در چهار ضلع قلعه چهار برج ساخته شده است.

قلعه « اتک » اهمیتش از این دو است که در فراز کوه سختی ساخته شده و مشرف به تمام خطوط آن محل میباشد و حرکت بطرف آن بخلاف حظه سراشیبی فوق العاده کوه « خیلی سخت و در موقع محاصره آب مقاومتش طولانی خواهد بود. ولی عده زیادی نمیتوان در آنجا استقرار داد و همچنین نظریت آب انبار هایی که ساخته شده است برای محاصره طولانی کفایت نمیکند.

روز ۲۶ ماه هر دو ستون بساحل غربی رسیدند.

دستجات اکتشافیون مأمور سواحل رودخانه اطلاع دادند که در آن طرف ساحل در دو نقطه قوای هند استقرار دارند. یکی در قلعه « اتک » دیگری در حدود « ماردان ».

چون مقصود نادر شاه عبور از رودخانه در حدود نقطه اولی بود، لهذا در مقابل نقطه شمالی عده از سوار نظام را به مراغه چهار عرصه توپ برای حداش فرستاده، عده قوا را در مقابل « اتک » مجتمع ساخت.

نادر شاه قبل از شروع به بسیار دمان قلعه یکنفر را بجانب قلعه روانه داشت که بساخته اعلام نماید اگر آنها بدون مقاومت از سنگرهای قلعه خارج شوند همان معامله که « ببلاد و عشایر افغانستان » شده است با آنها نیز بعمل خواهد آمد. فرمانده قلعه که از دور ارخزی ایران را میدیند فر جواب اظهار اطاعت نموده حتی برای ساختن پل هم همه قسم اظهار متعادلت نمود.

قوای ایران بتدريج در ساحل غربی رود سند جمع شدند نادر شاه در شمال قلعه برای قشون

او رو گائی تهیه نموده مشغول تدارک لوازمات پل شد. در تیجه تحقیقات از اهالی محل معلوم گردید که در دره «کابل رود» جنگلهای وجود دارد که اشجار آنها بمصرف اینکار میخورد، ولی حل اشجاریه این نقطه مشکل خواهد بود. عجالتاً بهترین مصالح برای کشیدن پل همان قایقهای محلی است که اهالی جلکه سند آنها را [جیردی] مینامند و وسیله ایاب و ذهاب سکنه اطراف رودخانه محسوب میشود. لذا قرار بر این شد که با همین قایقهای فرنگیه «کابل دره» که در آنجا عرض رود نا اندازه نهان تو سنگلاخ است پل بر پای نهایند: ^{۱۹}

قبل از شروع عملیات از قایقهای رود سند یکدسته پل ساز تشکیل شد که عده کارگران و حفاران نیز جزء آن گردیدند.

هین که دستیجات شروع بکار نمودند یک اشکال بسیار مهمی پیش آمد که انجام کار را بعدهم تقویق آنداخت و آن این بود که برای بستن قایقهای بیکدیگر در نقلیه قشون بحد مکفی طناب وجود نداشت و چیز دیگری که بتوان بجای طناب استعمال کرد موجود نبود. لهذا مصمم شدند از اینکار صرف نظر کنند و قشون را با قایقهای موجوده به آن سمت [ساحل شرقی] برسانند. ولی حل یکصد هزار نفر قشون با عراده ها و قورخانه وکلیه لوازمات جنگی و غیره ... بسیار کار مشکلی بود و تقریباً یازده روز وقت لازم داشت. عموم صاحبمنصبان بفکر علاج بر آمدند و عاقبت خود ناگزشانه پخازه کارزا نیدا کرد [۱۹] یعنی حکم داد از تنگهای دواب استفاده نمایند و هنچین باش و ده تمام اسبها را برینده طناب درست کنند، این حکم بلا درنک بخوبی اجرا گذاشته شد و باشیع وقت یک مقدار معتبر بینی طناب که بمنابع محکمتر از طناب پنیه بود تهیه گردید.

فردای آن روز بیل بطول هزار قدم در روی رود سند کشیده شده بود.

روز ۲۹ ماه نوامبر ۱۷۳۸ افواج بدون اینکه از ساحل شرقی همانوعی مصادف شوند،

شروع به عبور نمودند.

برای اول دسامبر عموم قوا از ساحل غربی بساحل شرقی حل گردید ولی عبور بنه ها و قافله های عقب پیشید روز تقویق افتاد.

چون در طرف مقابل ساحل از دشمن کسی نبود لهذا عملیات عبوری بدون مانع انجام گرفت. فرمانده قوا لاهور مطمئن بود که قوای مقیم «انک» قطعاً از قوا ایران جلوگیری خواهند شد.

بدین جهت قوای دیگری را بضرف رودخانه اعزام نداشت. بنا بر این پس از تسلیم شدن قوای ارتش راه لاهور برای ایرانیان باز شد (۲۰)

روز ۲ ماه دسامبر ۱۷۳۸ میلادی قوای ایران پس از تعیین دوسته برای محافظت جناحین مادوستون شروع بحرکت نمود.

نادرشاه بدون فوت وقت سپاه سوار نظام را مثل سابق جلو انداخته با بهترین آرایش جنگی با یک مقدمه الجيش قوی بسمت شهر «lahor» حرکت نموده و بفرمانده سپاه سوار نظام نیز دستور داد که راجح پچکوئی قوا و محل اردوهای خصم اطلاعات جامعی تحصیل نموده سرائب را راپورت دهد و همچنین در خصوص جاده های ایالت «ینجاح» و کدار های رودخانه ایکه به رود سند ملحق میشوند تحقیقات کاملی بنماید.

در آن روز استعداد کل قوا بیش از دو فرسنخ راه نه ییموده، موقع ظهر در کنار «گیرک» اردو زد - ولی سپاه سوار آن روز تا غروب راه پیمائی کرده در طرفین خط سوق الجيشی همه گونه اکتشافات و تحقیقات بعمل آورده شب را در بیان بسر برداشت.

روز ۲ ماه چون از سپاه سوار راپورت فرستید لهذا استعداد کل در اردو گاه «گیرک» ماند روز ۴ ماه استعداد کل پس ازینچ فرستنک عملیات پیش روی در طرفین خط عمومی اردو گاه تشکیل داده در روز استراحت نمود.

(۲۰) - اوضاع هندوستان، وصول خبر عبور قوای ایران از رود هیثم «سند» و حشمت و اضطراب بزرگی در شهر «دهلی» ایجاد نمود، از استماع این خبر عمد شاه پادشاه هندوستان فوراً هیئت مشاوره از امراء و بروگان و سر ان سپاه دولت تشکیل و هبته این هیئت بر این شد که ورود قشون ایران به این طرف رود «سند» برای ولایت «ینجاح» خطر عظیم خواهد داشت و اگر این ایالت به تصرف دشمن در آینه ملکت هندوستان قطعاً از دست میرود بنا بر این باید فوراً و بدون فوت وقت برای جلوگیری از این واقعه قشون مظہر نمایه و تجهیز نمود ولی اوضاع سواحل جنوبی هندوستان بواسطه مسلط شدن اروپایی ها قریب اتفاق بود، اغلب فرماتفرمای ولایات ساحلی نسبت به دولت سرکزی اظهار خالق تند نموده به مالیات بزرگی برداشتند و هنر باز از این میفرستادند... گفته از این قحطی نیز این گونه مسائل را شدت میداد. با اینکه نمایه قشون در هر قطعه هندوستان از سابق کارا مطرح مذاکره شده، بود مسنهدا با وضیحت هرچ و مرج دربار دهلی احده در سند اقدام بر نمی آمد. هجوم قوای معظم ایران از طرف شمال غرب تمام هندوستان را به میجان انداخته، جم آوری فوا به هیچ قسم صورت نیافرست.

در رأی تبیه شورای دولتی فرادر شد مجدداً به تمام حکمکام ولایات حکمی صادر شود که هندوستان از هر جست در خطر است لذا با تمام قوای خود برای حفظ ملکت حاضر شوند.

از تاریخ زندگان کیشیش اوف اقباس گردید

مؤلف

روز ۵ ماه بعد از ظهر اخباری از سپاه سوار رسید و از راپورتی که برای فرمانده کل قوای ایران
فرستاده بودند معلوم شد جاده های طرف شرقی پنجاب عموماً قابل عبور و مرور و هیچ مانعی برای
حرکت ستونهای استعداد کل نیست ضمناً رودهای عمده هم عموماً دارای گدار و قابل عبور میباشند
 فقط در روی رودخانه « جناب » و « راوی » باید پل کشیده شود - اما راجع بقوای دشمن آنچه
 تحقیق شده حاکی از اینست که یک عدد قشون هند در قلعه خرابه « کاخه » که در کنار رودخانه
 « جلام » است استقرار دارد ولی تعداد آن بطور صحیح معلوم نیست .

فرمانده کل قوای ایران پس از اطلاع از وضعیات اراضی پنجاب و قوای مقدم لاهور
استعداد کل قوارا به سه ستون که جنابین و مرکز ناشد حرکت داد و پستهای سیاری در بین
سپاه سوار و ستونهای مذکور قرار داد که هیئت استعداد کل با سپاه سوار نظام جلو ارتباط
داشته باشد .

بدین ترتیب عمایات پیش روی قوای ایران درین « سند - لاهور » تا رودخانه « جلام »
بدون حادثه انجام گرفت و در روز ۱۶ دسامبر پیش را الان سپاه سوار نظام به شهر غربی رودخانه
« جلام » رسیدند .

ج - موقعیت قوای لاهور

در موقعیکه قوای ایران بطرف لاهور پیشافت مینمودند که را خان قوای خود را مجدعاً به
دو قسم منقسم ساخته از شهر لاهور حرکت نمود و راپورت ذیل را هم به پایتخت فرستاد:
« نادر شاه با سپاه عظیم به این محل رسیده مشغول عبور از رودخانه های پنجاب
می باشد و تمام زمین دارها به او ملحق شدند و من با قوای قلیلی که دارم حاضر
جهنک یکنم ، شما باید در فرستادن مدد خیلی تمجیل کنید والا چاره از دست میرود »
فرمانده قوای لاهور ذکر با

ذکر را خان باده هزار نفر بطرف رودخانه « جلام » حرکت نموده ، قلندرخان را هم بطرف
« یمن آباد » اعزام داشت و در خود لاهور هم پنج هزار نفر ماندند که بعد ها از پیش سر بر سند
مقصود ذکر را خان این بوده است که در رودخانه های پنجاب حتی المقدور از تهابات ابرانیان
جلوگیری نماید تدریجیاً ناز عقب سر قوا نمای بر سد ، لهذا برای این مقصود در طرف راست قوای

قلندر خان در طرف چپ قوای خود ذکر با خان سواحل و گدارهای رودخانه «جلام، راوی» و «گندک» را محافظت مینمودند.

ولی قوای آنها طوری در بین رودخانه‌ها تقسیم شده بود که هر گز نمیتوانستند در موقع لزوم بهمک همیگر برسند.

خلاصه آرایش جنکی آنها برای قوای ایران هیچ مانعی پیش نمی‌آورد، با وجود اینکه در حدود گدارها قلاع مخصوص هم وجود داشت که ممکن بود از آنها کاملاً استفاده نمایند.

قلعه «کاخه سر» در سر راه سوق الجیشی (النسبة میم بود و بر حسب ظاهر مستحکم بنظر می‌آمد).

د- عبور از رودخانه جلام و عمار به لاهور

روز ۱۷ دسامبر قوای ایران در ساحل راست رودخانه جلام برای تعریض حاضر شدند و در ساحل رودخانه مذکور جیبه‌ای بطول یک فرسنگ تشکیل دادند.

قلعه کاخه سر از طرف هندیها مستحکم شده بود، گدار عمومی رودخانه جلام هم خیلی نزدیک بقلعه کاخه سر و نخت تأثیر آتش توبخانه دشمن واقع شده بود، در این موقع اهالی محل گدار دیگری را در یک فرسنگی بالا دست قلعه کاخه سر به ایرانیان نشان دادند که مانعی برای عبور قشون نداشت و در آن محل از قوای هندی هم اثری نبود.

نادر شاه برای فریب هندیها در ظاهر چنین جلوه داد که میغواهد از همان گدار نزدیکی قلعه عبور نماید ولی شبانه قوای خود را بر خلاف جریان رود حرکت داده از معبر بالا دست قلعه بدون زحمت عبور نمود. در این موقع توپچی‌ها برای اغفال در سمت جنوب قلعه را میورد شلیک قرار داده نظر هندیها را بطرف خود جلب مینمودند.

قوای دوم پس از عبور از این گدار، از تلال شهاب بطرف قلعه شروع تعریض نمودند و در آنجا معلوم شد که بنای قلعه چندان استحکامی ندارد زیرا حصار اطراف آن از الوار چوبی ساخته شده و فقط روی چوبه‌ها کشیده نموده اند. مخصوصاً در موقع تعریض حقیقت این امر کاملاً مکشف شد و عده ساکلی قلعه پس از یک ساعت زد و خورد آنجا را تخلیه نمودند و قلعه بتصرف قوای ایران در آمد.

پس از تصرف قلعه «کاخه سر» و اطراف آن یک فوج از سپاه سوار بطرف رودخانه «لاری»

اعیاز شد، بعداز پنجساعت اکتشافات عمیقه، از فوج مزبور دایر تی بمضمون ذیل بقرار گاه کل فرماندهی رسید: (۱) حکام و صوبه داران پنجاچ قریب پنجهزار نفر سوار را، که بنایود بشهر لاهور حرکت بدهند، بعد از عبور فوای ایران ازه جلام، ازه بجایه عمومی منحرف نموده و در سمت شرقی حرکت میدهند و هیچ جای شک، نیست که قصد آنها در این است که خط ارتباط از دورا از پشت سر قطع نمایند.

هرمانه یستان اول حینقلی (۱)

بوصول این رایورت نادرشاه فرماندهی سپاه سوار نظام را شخصاً بهده گرفته و با سرعت بطرف محل مذکور دور اپریت حرکت نمود.

در این موقع افواج سوار با دستجات هندی مصادف شده و مشغول محاربه بودند که نادر شاه غفلتاً به کمک آنها رسیده بالاتفاق با سرعت به آن محل هجوم آوردند و در تیجه این تهاجم شدیده مأکهانی افراد غیر نظامی هند بدون مقاومت رو بهزیمت گذاشتند و سواران خاصه نادرشاه آنها را تعقیب و بکلی نار و مار نمودند به این ترتیب از ورود قوای جدید به شهر (lahor) جلوگیری شد، نادرشاه پس از مصادمه سریع سپاه سوار نظام را مجدداً بطرف قلعه «کاخه سر» مراجعت داد و روز بعد یک عدد مکفی را بعنوان ساخلو در حدود قلعه «کاخه سر» گذاشت که معابر و خط و جمع عموم قوارا در آن سمت حفظ نمایند، چون ممکن بود قوای منهزم هندیها از اطراف جمع شده مجدداً بخط سوق الجیشی عمومی هند و ایران تحله کنند، پس از اتخاذ این اقدامات همین روز موقع ظهر خام قوا بحالت ستوانی اطற «چناب» رهسپار کردند

روز ۱۹ دسامبر سر ستوانها به جلگه «یمین آباد» رسیدند

در این موقع فوای «قلندر حان» در شهر غربی «یمین آباد» خود آرائی نموده برای حفظ گدارها در ساحل بسیار رو دخانه عده های فراول و مستحفظ مخصوص مأمور نموده بودند که از تهاجمات ایران خبردار باشند.

۱- این قبل از اینکه بح. ضه رودخانه «چناب» بر سد باز سپاه سوار را در یک محوطه

وسیعی برای اکتشاف خوشه مذکور بجلو فرستاده بودند. اکتشافیون سیاه مزبور ناگروب روز نوزدهم ماه مشغول تجسس اطراف بودند بالاخره در نتیجه اکتشافات دقیق عوام دستجات معلوم گردید که عده قلندرخان در دو نقطه ساحل چپ رودخانه « چناب » مشغول انجاد موضع توپخانه میباشند.

روز ۲۰ ماه پس از حاصل کردن این اطلاعات، نادرشاه از دست « الای یمین آباد » با یک عدد مختصر بگدار زد و چون این محل خالی از خصم بود بلامانع عبور و ساحل چپ رودخانه را در آن حدود بتصرف درآورد و لی آن روز درهان نقطه توقف نموده روز بعد از گدار جنوبی استعداد کل قوارابرای عبور از رودخانه « چناب » مأمور نمود. درهان شب عوم قوا مشغول استقرار توپخانه در ساحل راست رودخانه بودند.

روز بعد یعنی بیست و یکم ماه استعداد کل از روبروی هندوها شروع به بمباره مان نمود و دستجات شهاب ایرانیان که روز پیش از گدار بالا دست عبور نموده و در آن نقطه متوقف بودند چنان‌به خود شروع بعرض نموده بطرف جنوب پیش میرفتند و دستجات سیار قلندرخان را یقین میراندند.

نادرشاه بواسطه تشكیلات اکتشافی خیلی مرتب و جاسوسهای خود، مطلع شده بود که اسرار و هندیها نمیتوانند سریعاً قوای مکفی حاضر و در مقابل آنها مقاومت شدید نهایند و قوایی که در تزدیک رودخانه متوقف است قابل اهمیت نیست. ضمناً با کمال احتیاط و از روی فکر کار میکرده و برای جلب استعداد کل از آن طرف رودخانه چندان عجله نداشت. فقط یک عدد دو هزار فقری از استعداد کل در تحت فرماندهی امیر خان از رودخانه عبور نموده و با دستجات اولی مأمور تعقیب قوای قلندرخان گردید.

امیر خان که یکی از اتباع ناصر خان و حالیه در خدمت نادر شاه بود با جعیت خود و سه خوج از سوار نظام ایران شبانه به قریه « یمین آباد » حمله بردا در شمن مصادمه قلندرخان کشته شد و امیر خان قریه را متصرف گردید.

روز بعد صبح زود بقیه سپاه سوار بفوریت خود را به قریه « یمین آباد » رساند که آنجا را بطور حکم نکاهدارد.

بعد از این مغلوبیت دستجات متفرق هند بطرف قوای ذکریها خان عقب لشینی کرده

و در حدود رودخانه «راوی» به او ملحق شدند.

و وز ۲۲ ماه سیاه سوار نظام ایران با عده امیرخان مأمور شدند که بطرف رودخانه «راوی» بطور تأثیر حركت نمایند.

استعداد کل اسروز به مین آماد رسیده در آنحدود اردوگاه بزرگی تشکیل و قراولهای زیادی در اطراف اردوگاه استقرار داد.

موقع غروب راپورت‌ها خیلی تعجب نمودچه قبل از خیالی کرد که نمکن است کلیه قوای هند در حدود «راوی» و «lahor» جمع شده باشند ولی نهایر اطلاعات جاسوسان این خیال بکلی برخلاف بود زیرا جاسوسان قرارگاه کل قوای هندرا در خود بایتحت (دهلی) نشان میدادند بنابراین نادرشاه مدتی متفکر بود و بهیچوجه تضمیم قطعی نمیتوانست اتخاذ نماید. بهینه لحاظ جدداً یک فوج برای تقویت قوای حاجی خان بیک فرستاد که از میزان استعداد خصم اطلاعات صحیحی بیست آورد.

حاجی خان بیک شخصاً برای این مقصود تقریباً ناحیه رودخانه «راوی» رفته بطور جدی مشغول اکتشافات شد. آن روز راپورت اول را بشرح ذیل بقرارگاه کل تقدیم نمود: «ما رودخانه راوی را ای رفته به احدهی برخورد نکرد و فقط توانسته ام این خبر را به اردو برسالم که سواحل رودخانه راوی خاماً است و حالت مردابی دارد و عبور از این خط مشکل خواهد بود، امشب بیک عده و مأمور نموده ام که از رودخانه عبور نموده در آنطرف تحقیقاتی بعمل آوری، فردا حقیقت امر معلوم خواهد شد. امضاء حاجی خان بیک»

روز بعد راپورت دیگری از مأمورین اکتشاف به قرارگاه عمومی رسید و حاکی از این بود که ذکریا خان فرمانده قوای لاهور یکمده دو هزار تفری بعنوان پیش قراول فرستاده و در ساحل چیز رودخانه «راوی» مشغول حراست گدار عمدہ سوق الجیشی میباشند و ضمناً در آنجا استحکاماتی هم بنا نموده اند که مجذب به توب است. خود ذکریا خان درین لاهور و راوی قرار دارد.

وصول این رایورت باعث شد که نادرشاه در موقع حرکت بدانصورت احتیاط را از دست نداشت زیرا اول اذکر باخان به انکاء در دست ناشن کدار عمد سوق الجیشی میتوالست از هر نقطه بالا است این محل مستحکم سوار نظام خود را به آب زده به عقب سر و جناح استعداد کل هجوم کند نایاً چون در اپرتهای راجع به عموم قوای هند و محمد شاه چیزی قید نشده بود لهذا تردید داشت که آبا قوای هند در لاهور ناچه الدازه تقویت شده است ...؟

ه - محاربه لاهور - چنانکه ملاحظه نمودیم در طول يك ماه فرمانده کل

قوای ایران در صحنه «بنجیاب» بواسطه زیادی رودخانه ها که هر یکی از آنها یک مانع طبیعی و مستحکم بود هنوز نتیجه قطعی را بدست نداورد و اگرچه در مصادمات «جلام» و «چناب» فاتح بودند ولی قشون هند هنوز در میدان محاربه وسیعی مضاف نداده بود که وضعیت کامل روش شود لهذا ممکن بود در «lahor» و با بعداز لاهور عموم قوای خود را تمرکز و یک محاربه مهمی را فیروز خاید در این موقع نادرشاه بخیال افتاد که نتیجه قطعی را در حدود «lahor» بدست آورد لهذا قوای خود را جداً مرتب نموده از روی نهش مخصوص بطرف لاهور شروع بعرض نمود.

نادرشاه در حوضه رودخانه «راوی» سه دسته قشون را که هر یک دارای ده فوج بودند برای حمله اولیه قرار داده بود و بعداز اینکه این سه دسته شروع بحمله نمودند «سپاه سوار نظام اولاً از طرف شمال» زیرا بخلاف «lahor» را زانده و بعداز سمت چپ یعنی از طرف جنوب (lahor) راه فرار آنها را بسته نایاب شان نماید.

روز ۲۸ ماه جام قوا در ساحل «راوی» صفات آرائی نموده مشغول نمایش بودند، برای اغفال دشمن فرمانده توپخانه در نقاط انتخاب شده مشغول بعضی نایشات نظامی شد میان اینکه قوای خواهد به استحکامات ساجل چپ رودخانه تعرض نماید، همینکه دشمن از این حیث مطمئن شد نادرشاه در خفیه عده از سوارهای برخلاف جریان رود حرکت داد که محل مناسبی را برای اندادن پل تجسس نمایند اما خود او برای شرکت کردن هندیها ناگریب آن روز مشغول تیراندازی بیهوده و حرکت دادن ستوانها از یک نقطه به نقطه دیگر بود، اوایل شب موقعی که ظلمت افق را فرا گرفت نادرشاه قوای مرکزی را در برابر خصم گذاشتند با سایر پیادگان بطرف نقطه که برای کشیدن پل پیدا کرده بودند حرکت نمود و همینکه به نقطه مزبور رسید ملتقت شد که کشیدن پل ثابت

باعث معطلي خواهد بود لهذا امرداد يك پل موقعي کشيدند. پس از کشیدن پل اول فرمانده سپاه سوار حاجي خان يك با دستجات خود از روی آن عبور کرد سپس نادرشاه با يك فوج پياده و صد نفر از عده کشيش خانه از يل گذشت و يك قسمت سوار هائی که میتوانستند از توی آب عبور نمایند به آب زدند.

بعد از اینکه سپاه سوار و فوج پياده و عده قرارگاه کل ساحل چپ رود خانه رسیده و جمع شدند مطابق نقشه پيش سپاه سوار شروع به تعرض کرد و فوج پياده هم با عده کشيش خانه بطرف قلعه تعرض نمود.

صبح زود سپاه سوار خود را بخط سوق الجيسي لاھور رساند. با ادرانک شروع به هاجم میخاید و فوج پياده هم قبل از طلوع آفتاب قلعه را محاصره نمود. جمهی از قلعه گران که قبل آنجا را تخلیه نموده بودند درین راه به عده کشيش خانه مصادف و بقتل رسیدند.

فوج پياده بزودی قلعه را بتصريف در آورد و دو عراوه توب با دویست نفر سرباز اسیر کرد. سپاه سوار از طرف شهال پشت سر قوای مقیم ساحل رود خانه « راوي » را تهدید نموده تیکذاشت که هندیها بطرف لاھور عقب پنشیختند در این میان از طرف لاھور فریب دوفوج پياده خواست بکمک هندیها بیاید ولی سپاه سوار مانع شده آنها را مجبور به قبض نشینی کرد.

قوای مقدم هندیها پس از دو ساعت مقاومت شدید. تسلیم شدند در این موقع نادرشاه به میدان محاربه رسیده بدون فوت وقت سواران و پیادگان را بطرف لاھور حرکت میکرد. مقصود معظم آله این بود که غفلتاً در حدود لاھور با اصل قوای عده ذکر با خان تلاقی نموده ضربت ناکهانی به آنها وارد آورد. درین روز نادرشاه هر فوجی را که از آن طرف رودخانه میرسید بفوریت در روی خط عمومی (لاھور - راوي) حرکت میداد و شب قرارگاه کل هم حرکت کرد. فرداي آنروز عموم قوا به يك فرسخی شهر لاھور رسیده با يك جبهه متناسبی بطرف شهر تعرض میکردن. حوالي ظهر قوای ایران (سواران در جلو و در جناحين و پیاده نظام دروسط) بحدود باغات شهر لاھور رسید و خود نادرشاه در باغ « شعله ماه » که از بناهای معروف شاه جهان بود منزل کرده بفوریت حکم صادر نمود که عده های پیاده با آرایش جنگی در محل های حالیه توقف نمایند و سپاه سوار بفوریت از جنوب شهر دور زده راه دهلي را بروی شهر مسدود نمایند.

نا بعد از ظهر شهر لاھور بطور نیم دایره از طرف شهال غربی محصور شده و بوسیله سوار از

سمت جنوب شرقی مسدود گشت.

در این موقع از طرف قرارگاه کل قشون تحقیقاتی بعمل آمد که حولاً هور فقط قوای ذکرها خان وجود دارد، نادرشاه هند و قوای آن هنور از صحرا یا «کرمال» به آنجا نرسیده اند. پس از این خبر نادرشاه مسروشده سپاه سوار را با پنج فوج بیانه از راه جنوب شهر تقویت داده و هیجوم بطرف شهر را هم برای روز بعد موکول کرد.

شهر لاهور در یک زمین صاف و هموار واقع شده است، ابتدای شهر از پشت باغات شروع میشود، حصار آجری بطول تقریبی یک فرسنگ و نیم از چهار طرف شهر را احاطه نموده است. حصار مزبور دارای برجهای متعددی است که بنام گدارهای رود خانه لاهور مشرف میباشد. ارک در سمت شمال غربی در کنار جاده عمومی واقع شده و فاصله شهر نارود خانه تقریباً یک میدان است.

شهر لاهور در سمت شمال غربی هندوستان مرکز عمدۀ تجارت بوده و سنت در آنجارواج کامل دارد. محصولات عمدۀ این محل برنج و گندم و نیل و میوه جات است. گرچه در این ایالت جنگل وجود ندارد ولی مراتع سبز و خرم است و بهمین جهت اهالی احشام و اغذیه زیادی تریت و نگاهداوی میکنند. آب و هوای شهر لاهور از سایر نقاط مرکزی هندوستان بهتر و فصول چهارگانه آن معتدل محسوب میشود. چنین شهری اگر بددست قوای ایران بینند برای آنیه چندان خطری نمیباشد اگر بطرف شهر دهلي در عملیات پیش روی مانعی پیش آید ممکن است قشون را در حدود این شهر نگاهداشت ولی وقتی این خیال انجام پذیر بود که قلعه لاهور بتصرف در آمده باشد اما از طرفی هم تصرف قلعه لاهور بواسطه استعکامات و رود خانه بدون چنگ سخت و خون ریزی زیاد امکان پذیر نبود.

در حین اینکه نادرشاه مشغول طرح نقشه عملیات آنیه بود از طرف فرمانده ساخلو شهر لاهور ذکر با خان، خانیشه ای بقرارگاه کل وارد شد و کاغذ ذکر با خان را که استدعای مهلت و مدارکه چنگ مینمود به نادر شاه تقدیم کرد.

نادرشاه او ضاع را برای مدارکه مناسب تدبیه رسول ذکر با خان را بلا جواب پس فرستاد

و همان روز نادرشاه برای بازدید خط محاصره با قرارگاه کل بطرف حصار شهر حرکت کرد. در سمت شمال نزدیک ساحل رودخانه محل را برای توبخانه انتخاب نمود که تمام شهر را از این نقطه میشد بمباردمان نمود.

روز بعد در شال غربی شهر یکده جمعیت بايرقماي سفید بحضور نادرشاه آمده داخل مذاکره شدند و در تیجه مذاکرات قراربراین شد که اگر تا فردا مستحفظین قلعه تسلیم نشوند شهر با خاک یکسان خواهد شد.

ابن اخطار نادرشاه اسباب و حشتم اهالی و مستحفظین قلعه شد و تمام صحبت آنها در اطراف قتوحات قشون ایران بود و دفاع را در مقابل قوای زیاد بی ثمر میدانستند ولی صاحبمنصبان به آنها امیدواری میدادند که امن روز با فردا قوای در تخت فرماندهی بادشاه هند به کث آنها خواهد رسید و محاصره را منفع کرده آنها را نجات خواهند داد.

آنروز به این اضطراب گذشت روز بعد باز بمباردمان شروع شد.

فرمانده قلعه لاهور از تلاش و اضطراب اهالی نمیتوانست مشغول انجام وظیفه خود بشود در این موقع حاینده های اهالی تزد مشارالیه آمده در خواست تسلیم شدن نمودند.

فرمانده قلعه و قبیکه اوضاع قوای روحیه اهالی را در این حال دید بلکه مأیوس شد و از آنها ناظمینه های اهالی تزد مطالب آنها را انجام دهد. خود ذکریا خان هم بجنوبی میدانست که با قوای ایران نمیتواند با این روحیه قشون و اهالی مقابله نماید لذا موقع ظهر به حاینده کان شهر خبرداد که او هم با عقیده آنها همراه است.

بعداز ظهر روز ۲۵ ماه دسامبر هندیها دروازه های قلعه را بروی محاصرین باز نمودند و بیکلر یکی شهر با جمعی از محترمین محل عازم قرارگاه کل ایران شدند. عصری در باعث شعله ماه بحضور فرمانده کل قوا رسیده و کلید شهر را تقدیم داشتند (۲۱)

بعد از مذاکرات ده فوج پیاده مأمور شد که از دروازه شال غربی داخل شهر شده قراولخانه های دولتی را تصاحب حاینده و پنج فوج سوار نیز مأمور شد از دروازه جنوب شرقی

(۲۱) - نادرشاه بعداز اینکه کلید شهر را دریافت کرد، ذکریا خان را با کمال عطوفت پذیرفته حکومت شهر لاهور را کهایا کان بشارالیه و اگذار خود نمود ضنایت اسب متاز با زین و برک قبس به او عطا فرموده ولی قرار شد اهالی شهر و نواحی اطراف یک کروز تومن بعنوان خسارت جنایت جزءیه اردو تحول نایتد. از کتاب زرزال کیشیش اوف

وارد شهر شده ساخلوی قلعه را خلع سلاح نماید. ولی توپخانه و یقیه افواج پیاده و نقلیه در خطوط محاصره ماندند که فردا بر طبق حکم جدید رفتار نمایند.

موقع غروب هم قراولخانه های شهر از طرف افواج ایران اشغال شده و ساخلوی قلعه هم کاملاً اسلحه خودشان را در میدان ارک دولتی به فرمانده سپاه سوار ایران تسلیم کردند. شب سکوت عمیقی در شهر حکمفرما بود.

روز بعد نادرشاه قرارگاه کل را به شهر انتقال داده و با تشریفات کامل داخل شهر شدند^(۲۰) و بفوریت قسمت محله شرقی را که سپاه سوار اشغال کرده بود به افواج پیاده واگذار کرده و سپاه سوار را بطرف مشرق حرکت داد که از آن طرف راه بازتخت هندران در دست داشته باشد. بعداز تصرف قلعه لاهور جدداً درین قوای ایران و هندوستان فاصله زیادی حاصل شد، در واقع طرفین تماس دا از دست داده بودند.

حالا میتوان تصور نمود که هندیها در شمال صحرای (کرناں) و ایرانیان در حدود لاهور متوقف و به تشكیلات و تجهیزات و جمع آوری قوا مشغول میباشند.

مسئله تأمین از شرق و از شمال غرب بسیار مهم بود برای این منظور سپاه سوار نادوفرسخی «کل رود» جلوی حرکت نمود که درین قوای هند واستعداد کل حائل شده و تأمین قوای مقیم لاهور عهده دار شوند. و برای اینکه خطوط عقبی قوا بیش از پیش در تحت تأمین درآید ناصرخان بیگلر بیکی سابق شهر کابل و پیشاور به سمت قلعه بیکی (انک) منصوب گردید و حفظ و حراست خط ارتباط با داخله مملکت و قشون بعده مشارا لیه و اکذار و بیک عده هم برای اینکار به اختیار ناصرخان گذاشته شد. در اطراف لاهور نیز ترتیبات دفاعی بعمل آمد و به بلوکات هم حکام اعزام گردید که آذوقه لازمه را قبل از شروع به تعرض جمع آوری نمایند.

تشکیلات نقلیه قدری توسعه یافت و با دو هزار شتر، نقلیه بنه بزرگی تشکیل داده شد که آذوقه یکماهه قشون را در پشت اردو بطور احتیاط از وسط صحرای «کرناں» بمرور بجهیه برساند، اقدام اخیر چنانچه بعدها مشهود خواهد شد فوق العاده مفید واقع گردید و حتی به اسرای هندی هم از همین بنه آذوقه داده شد.

(۲۲) - اعیان و تجار و متنفذین لاهور بحضور اینان مشرف شدند. خضرالدین خان حاکم سابق ایالت مهم کشیر که چندی بود بواسطه ضربت اهالی آنجا به لاهور آمده، بانتظار قشون ایران را داشت نیز بحضور نادرشاه شرفاوی حاصل گرد و مجدداً بست حکمرانی به ایالت کشیر روانه شد. [از تاریخ چهانگشای نادری]

فضل پنجم

محارب (کرنال)

۱ - موقعیت و خاتمه عقب نشینی هندیها ،

سقوط قلعه (لاهور) به عقب نشینی های قشون هند خاتمه داد ، زیرا قشون ایران در روی خطوط سوق الجیشی هندوستان آنچه قلاع نظامی وجود داشت بتصرف در آورده بود ، دیگر پناهگاهی در پشت سر باقی نمانده ، پایتخت هندوستان بخطر افتاد ، بنا بر این صحرای «کرنال» برای آخرین دفعه میدان نبرد انتخاب شد که قشون هند در انجا جبهه بزرگی تشکیل داده ، از تهاجمات ایرانیان بطرف شهر (دهلی) جلوگیری نمایند .

دو دوازدهم شهر ذی القعده قشون محمدشاه در صحرای (کرنال) تمرکز یافته و از طرف قشون خطوط دفاعی و اردوگاه های مهم بر پاشده بود و دور اردوگاه قریب چهار فرسخ بود که سمت شمال و مغرب را سنگر بسته ، در سنگر ها پانصد عراده توپ متعلق به پادشاه و امراء انتخاب موضع نموده بودند . در مرکز سرا برده (۲۳) پادشاه بود در مقابل آن سنگر های نظام الملک صدر اعظم هند و از وزرا نیز سعید الدین خان بود و در آن سنگر ها توپخانه مخصوص پادشاه و بالوازم آن استقرار داده بودند .

در جناح راست جبهه ، قسمت های خان دوران - مظفر خان - علی حبید خان - میرقلی خان شهاد خان و خان زمانخان بودند

در جناح چپ جبهه! هم افواج فخر الدین خان - عظیم الله خان - جانی خان - سید نیاز خان بود، (۲۴)

در پشت سر جبهه بطور احتیاط در عقب سرا برده هادشاه دستجات سر بلند خان و در پشت سر او محمد خان بن گوش و در عقب قوای جناحین هم یعنی در پشت چادر های خان دوران (فوج کبیر پارام) با داو طلبان طوایف «جات و سند» در خط دوم که بفاصله دو هزار قدم دور تر از خط اول جبهه واقع شده است دستجات (آمول) و (کوطفو) استقرار داشتند تقریباً یک منزل دور تر از جبهه (کرنال) دستجات بهروز خان - اسحق خان - اصل احتمالی خان و در پشت سر آنها طایفه آمیز، فرازگرفته بودند.

هر یک از این اسراء با قوای مخصوص خود همراه بودند و تمام قشون حاضر در اردوگاه کرنال و اطراف به دوست هزار نفر سوار و پیاده و توپخانی و (۵۰۰) عرباده توب و (۲۰۰۰) زنجیر فیل جنگی بالغ می شد. (۲۵)

در صورتیکه قوای ایران پس از وضع ساخلو قلاع و طرق سوق الجیشی از ۹۰۰۰۰ نفر تجاوز نمیکرد.

عموم سوار نظام را به دو قسم تقسیم کرد و یک عدد را در تحت فرماندهی (محمد خان) در جلو جناح راست قرار دادند و قسمت دیگر را هم بطور سیار بطرف رود خانه (سد لیج) اعزام داشتند که از طرز پیش روی ستونهای ایران مطلع شده قبل از آنها در حدود رود خانه مذکور جلو گیری نموده بعد بتدربیج بسمت خط مدافعه عقب پنهانند.

۲ - موقعیت قشون ایران در لاهور

خشون ایران مدت دو هفته در شهر لاهور ماند. در این موقع فرمانده کل قوا (نادر شاه) مشغول جمع آوری اطلاعات سیاسی و نظامی بود. خصوصاً دو مکتبی که جاسوسان داخلی (سی نفر قاصد مخصوص بودند که درین نادرشاه و وزرای هند مرتبه کارهایکردن) برای معظم له فرستاده بودند استعداد و نقشه جنگی قوای هند را کاملاً شرح میداد

(۲۴) اقتباس از تاریخ محمد شاه قیموردی.

(۲۵) - از تاریخ هند اقتباس شد.

ما این ترتیب محاربه بادشانی که از حیث عده و تجهیزات تفوق کلی داشت امری بس خطیر بنشانی آمد و بعلاوه در صورت مغلوبیت خط رجعت اطمینان بخشی برای عقب نشینی قشون در نظر نبود. بدینهی است خصوصیتی که اهالی بلاد مسخره نسبت به اردوی ایران داشتند بمحض انتشار خبر شکست تمام آنها بخصوص طوائف خون ریز سنجاب و در بندها در پیش سر قشون از هر گونه شرارت و مزاحمت دست بردار نبودند. ولی نادرشاه افشار با وجود کمی استعداد قشون چون از برتری و تفوق خصائص سلاحشوری قوای حاضر خود اطمینان و امید کامل داشت و بخوبی میدانست که قوای غیر منظم و بی انضباط هندوستان هرگز قاب مقاومت متین را نداشته باشند فداکار و جسور او را خواهد داشت لذا تصمیم گرفت که بس از نامین قطعی خطوط سوق الجیشی بطور مدرانه بطرف بایتخت هندوستان شروع بعرض نماید.

در ۱۴ زانویه ۱۷۳۹ مجلس شورای نظامی در ارک لا هور تشکیل و نادر شاه سران سپاه را مخاطب ساخته به آنها حقیقت مطلب را اظهار نمود که [آخرین تهاں با قوای کل خصم در صحرای «کرنال» فریب الوقوع است، همان طوری که نامروز در محاربات فاتح غالب بودید در این میدان محاربه هم که از همه خوبین تر خواهد شد باید بعون الله تعالی رشادت و قهرمانی خود را نشان دهید.]

در بین این مذکورات جاسوس دوم با اطلاعات جمع نری وارد شد از قرار تقریر مشارالیه: « خصم در صحرای (کرنال) هاستحکامات جبهه خود مشغول و سواران او قدری جلو تر آمده سواحل رود خانه (صلیچ) و قریه (عظمی آباد) را هم اشغال کرده است. »
با این خبر نادرشاه را بحدا بفکر انداخت که آیا دشمن حالت دفاعی و یا تعرضی را اتخاذ خواهد نمود....؟
همان روز جاسوسان مجدد ایرانی آگتشافات و تحقیقات انفرادی و سپاه سواربرای آگتشافات عمومی مأمور شدند

۲ - شروع حركات تعرضی بطرف کرنال و عمل سوار از ظلام و آخرین تهاجمات پیاده نظام

روز پانزدهم زانویه ۱۷۳۹ میلادی قوای امداد به سمت بایتخت هندوستان و سمت

صرحای (کرنال) شروع بحرکت و پس از چهار روز طی مسافت به حوضه رود خانه (صلیج) که یکی از رودخانه های مهم سنجاب محسوب است رسید. دو روز بود که سپاه سوار نظام در طول ساحل رودخانه مذکور قریب سه فرسنگ مسافت را در نهضت لظر خود قرار داده و برای عبور قوا راه مناسبی را میخواستند پیدا کنند.

بواسطه نزدیکی فصل بهار طغیان رودخانه مانع عبور قشون نشست و چون وسائل برای ساختن پل موجود و مهیا نبود لهذا چهار روز اجباراً در آنجا توقف کردند، در این چند روزه طغیان رود قدری رو به تخفیف آذاشت ولی معهدها عبور قوا از رودخانه بهره‌مند نشده مقدار کثیری بزر و بنه قشون و آب برد و یک قسمت عده آنوهه اردو هم فاسد و خراب شد. این پیش آمد و وضعیت مشکوک و نا مساعد هندیها نادر شاه را مجبور نمود که چندی در (سر هند) توقف نماید و پیش از پیش از اوضاع دشمن مطلع گردد.

موقعیکه قوای ایران در ساحل رودخانه «صلیج» متوقف و مشغول تدارکات بودند غلتان از سمت شمال قسمتهای جناح چپ اردو و سوار نظام ایران با یک هدف غیر معین هندیها داخل محیط شد.

نادر شاه برای جلوگیری از حملات فاکهانی خصم عموم سوار نظام را بطرف شمال فرستاد و به فرمانده سپاه سوار حاجی خان بیک حکم داد که حتی الامکان از تهاجمات سواران هند جلوگیری نموده برای عبور قوای کل وقت لازمه؛ افراد نهاید. آن روز ناگز و بسپاه منبور بساواران هند در سمت شمال مشغول زدو خورد بود و موقع غروب آنها را مجبور کرد که از گدار بالا دست عقب نمی‌شینند.

در این موقع قریب هفت هزار نفر پیاده نظام ایران موفق شدند که با بنه ها خود شارا بساحل چپ رودخانه برسانند.

روز هفتم ماه عموم قوا به آن طرف رودخانه رسیده شروع بعملیات پیشروی کردند روز ۸ ماه فوریه سرستونهای قوای ایران به (انباله) رسیده اند و همین روز سپاه سوار ناگز و راه پیهائی کرده تا به (نه سوز) رسید.

از (نه سوز) راه پایتخت به دو شعبه تقسیم می‌شود: یکی از راه عظیم آباد به صحرای کرنال می‌رود، دیگری مستقیماً از راه (انباله) به صحرای کرنال منتهی می‌شود، بنا بر

این سپاه سوار مطابق دستوری که دریافت نمود با دوستون شروع بعملیات کرد.

این پیش روی با کمال کنندی اجرا میشد، وضعیت دشمن تا آن ساعت غیر معین بود، کم آنی و بی تکلیفی افراد و ساچبمنسان را خسته میکرد. بنابر اخبارات غیر رسمی نادرشاه احتیال میداد که در این نقطه با استعداد کل قوای هندرویلو خواهد شد. لهذا بازوبننه رادر (آباله) بسر کرد کی قلعه ملیخان کذاشته بطور سبک بار حرکت میکرد. ضمناً سپاه سوار امر داده بودند که از پشت سر سپاه در طول خطوط سوق الجیشی و جلکه های طرفین بطور عمیق اکتشافات لازمه را بعمل آورند، قرار کاه کل در تعقیب سپاه سوار حرکت میکرد.

موقع ظهر یک دسته مکتشفین سپاه سوار پنج نفر از نظامیان هند را دستگیر و خدمت فرمانده کل قوا آوردند. اظهارات این اسراء بارا پور تهائی که قبل از تعداد قوای خصم به نادرشاه عرض شده بود کاملاً موافق بود، ولی بعضی مطالب آنها به نظر غریب می آمد. آنها عده مقیم (عظیم آباد) را خیل زیاد می گفتند اینها خود نادرشاه شخصاً با گاردن قرار کاه بقصد اکتشافات لازمه روانه (عظیم آباد) کشته موقع غروب نادشاه باستون درم سپاه سوار نظام و گاردن هایونی وارد حدود قصبه (عظیم آباد) شد. در تیجه اکتشافات اطراف قصبه و یک فرسخ دورتر از آن معلوم گردید که در قلعه (عظیم آباد) قریب دو هزار نفر عده موجود ولی در اطراف آن ابداً از وجود قوای هند اثری پیدا نیست. باز مکتشفین را پورت دادند که ساخلوی قلعه عظیم آباد طوری مضطرب و بیشان شده است که قادر به مقاومت طولانی نخواهد بود و خود حصار قلعه هم بواسطه اینکه از آجر ساخته شده استحکام ندارد و امید رسانیدن قوا نیز از کرمان خصور نمیرود. ولی راپورتهای ستون اول سپاه سوار که مستقیماً بطرف صحرای کران رهیار شده بود چندان خوب نبود. گویا قریب ده فوج سوار هند در آن حدود از عملیات پیش روی آنها جلوگیری کرده خیال تعرض نیز دارد...! بنا بر این نادرشاه تصمیم گرفت که زودتر کار قلعه عظیم آباد را یکسره کرده بفوریت خود را به ستون اول سپاه سوار برساند. برای این منظور به استعداد کل که در (آباله) متوقف بود امر فرمود که بطرف صحرای کران شروع بحرکت نمایند.

روز بعد صبح زود نادرشاه بخیال افتاد که غلتان قلعه را نصرف کنند بدین لحاظ بسرعت کامل خود را (با گاردنستون دوم) به حصار دور قلعه و ساینده هر این موقع مدافعین شروع به آتش غیر منظم نمودند معزی الیه بفوریت فسمتی از حصار را با آتشباری که هنوز وارد خط محاصره

نشده بود مورد دشیلیک قرارداد و مقاومت ساخلو چندان دوای بییدا لکرده بفاسله دو ساعت و نیم تهامتان اسلحه را ترک کرده بخونهای قلعه پناهنده شدند، اهالی هم از خوف جان خود به محله درب قلعه را باز و نهایندکانی بعنوان تسلیم خدمت نادرشاه فرستادند و معظم آنها را جانان و مالاً نامین داده ولی عده ساخلو قلعه را بطور اسیر به (انباله) فرستاده و یک نفر هندی راهم به قرارگاه محمدشاه پادشاه هند فرستاد که سقوط قلعه را به او اطلاع دهد.

تسخیر و ضبط قلعه (عظمیم آباد) در مدت کمی بارث وحشت و پریشانی هندیها شده قوای روحیه تمام قشون را متزلزل نمود. سران سپاه هند خیال داشتند که دو فوج با هشت هزاره قوپ برای تزیید قوای ساخلوی قلعه بفرستند، هنوز این عده‌ها از کرمال راه نیافتاده بود که خبر سقوط و فاجعه قلعه عظیم آباد به کوش آنها رسید.

روز ۱۰ ماه فوریه نادرشاه از عظیم آباد حرکت نمود که در دوراهه (کرمال) به استعداد کل نرسد.

موقع ظهر عموم قوای ایران در جنوب شرقی عظیم آباد جمع شده و بعد از ظهر شروع بحرکت نمودند.

نادرشاه سپاه سوار را با یک فوج بیاده و یا ترده عراوه توپ تقویت داده و امر فرمود که امشب ناصبح راه بیهائی نموده قبل از طلوع آفتاب بسواران هند که در شهاب قریه (شاه فیروز) میباشند غفلتاً حله مایند و در همنه تمام فستهای بیاده نظام امر شده است که فردا حرکت مایند مطابق همین نقشه آن شب سپاه سوار ناصبح راه بیموده ولی در موقع طلوع آفتاب مشاهده شد که هنوز یک فرسخ از راه باقی مانده است و این تأخیر بواسطه اشتباه چند نفر بلده هراه بود لهذا باز به حرکات خود ادامه داده مقارن ظهر با سواران هند مجدداً نهان حاصل کردند. هندیها همین که از رسیدن سپاه سوار ایران مطلع شدند قوای تأمینیه خود را تقویت و به یک مقاومت شدیدی مبادرت نمودند. سواران ایران چون عده سواران هند را از خود ضعیفتر دیدند لهذا بفوریت با شمشیر حله نمودند محاربه در حوضه دست راست جلکه در گرفت و جنگ چه از طرف روماء و چه از طرف عده‌ها با نهایت شجاعت بعمل آمد.

پس از یک مصادمه خونین سواران هند از میدان محاربه زوگردانده بطرف کرمال عقب نشستند. چون تلفات سواران ایران خیلی زیاد بود لهذا آنطوریکه میباشد دشمن را تعقیب نمایند.

ممکن نشد و همان‌زده تقریب اسیری که مجر و حا دستگیر شده بودند فرمانده سپاه سوار به قرارگاه کل اعزام داشت. سواران هند ناحدود کریم عقب نشستند.

روز بعد در قرارگاه کل هند اوضاع بکلی تغییر نمود. محمد شاه موقع ظهر بفوریت شورای نظام را تشکیل داده برای جلوگیری از عملیات جسوانه ایرانیان نقشه دیگری تهیه نمود. در این نقشه چنین قید شده بود که باستی جدا شروع به تعریض شود.

در موقع شورکفیل فرماندهی کل قوا (نظام الملک) مخالف با آراء سران سپاه بود. مشارکیه مصلحت بر این میدید که حالت دفاعی نسبت با اوضاع امر و زده قشون بهتر خواهد بود. فرمانده کل قوا (محمد شاه) بدؤاً با این عقیده موافقت کرد ولی بعد بواسطه اکثریت آراء سران سپاه نقشه اول را بالاجبار بموقع اجرا کذاres.

آن روز از قرارگاه کل حکم صادر شد که قشون حاضر برای حرکت شود. سپه‌الاری قشون به سردار (خان دوران) و فرماندهی سواریه (سعادتخان) تفویض و بعد از ظهر قوا از کریم خان حرکت نموده موقع غروب درسه فرستگی دودخانه (شاه فیض) اردود زد. آن شب محمد شاه انتظار داشت چهل هزار نفر قوای امدادیه که از دهلی دو روز پیش حرکت کرده بودند و می‌باشد. در این نقطه به اردو ملحق شوند بر سندوی این قوا در آن شب به محل مقصود نرسید لهذا محمد شاه بحداً تصمیم گرفت که در این نقطه یعنی در تیهه‌های واقعه بین کریم و نهر «شاه فیض» خطوط دفاعی مرتب نموده باز حالت دفاعی اتخاذ نمایند. آن شب تمام افراد اردو مشغول ساختن استحکامات بودند. در این موقع که هندیها به این اقدام انتقام داشتند، فرمانده کل قوای ایران هر سه راهه (نار) تمام قوای خویش را جمع کرده و غافل از اینکه هندیها صحرای کریم را تخلیه و شروع بعرض کرده‌اند، مصمم شد استعداد کل قوار را مستقیماً بطرف کریم بفرستد و سپاه سوار را مأمور کرد که از راه شمالی برای تهدید قوای هند عملیات دورانی انجام داده و بسرعت خود را به دهلی بر ساند و پشت سر کریم را احاطه و بین وسیله وابطه قوای محمد شاه را با پایتخت مقطوع سازد. برای انجام این مقصود احکام لازم به رؤسای صنوف قشونی صادر شد.

روز هانزدهم ماه قوای ایران ها آرایش جنگی بطرف رودخانه «شاه فیض» شروع بحرکت نمود.

استعداد کل با پنج ستون (توبخانه در روی خط شوسه) پیادکان در طرفین راه بنا شده دو هزار قدم حرکت می‌نمودند.

سپاه سوار مطابق دستور نادر شاه شب پانزدهم ماه قبل از استعداد کل بحرات در آمد بمالحظه اینکه از اوضاع جنده های آن سمت اطلاعات مکنی در دست نداشت با کمال سختی آن شب ناصیح راهیهای نموده موقع طلوع آفتاب در شمال جناح راست جبهه قوای هند مصادر یا یک عده سوار نظام هند شده شروع به زد و خورد مینمایند ولی بعد چون فرمانده سپاه ملقت میشود که سواران هند نزدیک اردوگاه هستند و عده آنها بیش از ایرانیان میباشد بفوریت سپاه سوارا جمع و عقب کشیده و از مصادره طفره میرود.

سپاه سوار از همان راهی که آمده بود مراجعت نمود و درین راه به یک ستون قوای هند مصادر شده (عدد سعادت خان) شروع بحرب مینماید پس از ربع ساعت مصادره قوای هند را عقب میراند و تمام بار و بنه قوای سعادت خان را ضبط نموده موقع غروب خود را به قرارگاه کل هنر سالند.

فرمانده سپاه سوار رایورت جامع دایر بر محفوظ بودن جناح راست خصم و مسدود بودن راه دهلي تقدیم فرمانده کل قوای نماید این خبر سبب میشود که نادر شاه از خیال احاطه دشمن از پشت سر و تهدید مایتخت منصرف گشته و با عموم قوا مبارزت به تعریض نماید.

روز شانزدهم ماه قوای ایران باز نا آرایش جنگی (سپاه سوار در جناح چپ) شروع بتعزیز نموده موقع ظهر جلو داران ستونها بجلگه «شاه فیض» میرسند و عصری طرفین در حوضه «شاه فیض» ناس حاصل و شروع به زد و خورد مینمایند. شب طرفین با کمال جدیت مشغول تهیه محاربه روز بعد میشوند.

طرفین عموم سوار نظام خود را در جناح شمالی نمر کر داده در خیال تهدید هم دیگر بودند و چون جناح جنوبی بواسطه صحرای بی آب و علف قابل عبور نبود لهدا طرفین بیشتر بجناح شمالی اهمیت میدادند. کثرت عده دستگاهات فیل های قدون هند نا اندازه باعث تشویش خیال سران سپاه ایران شده بود و از قرار معلوم به خر طوم فیل ها شمشیری بسته بودند و این حیوان های از ضربت خر طوم چندین نفر را از با در آوردند.

فرمانده کل قوای ایران در همان شب اول برای رفع تشویش خیال افراد و صاحب منصبان مقارن نصفی شیب سران سپاه را به قرارگاه کل احضار و به آنها اطمینان کامل داد که برای خنثی نمودن

عملیات فیل های مسلح خصم تدبیر مؤنثی اندبیشه است و از این حیث بهیچوجه جای نگرانی خواهد بود.

قادر شاه هم شب به ترتیبات لازمه جنگ مشغول بود. مطابق اطلاعات قراولهای اطراف جبهه هندیها قریب یک فرسخ طول دارد. ولی راجح به میزان استعداد او اخبار مختلف بود. عده قشون ایران که فردا میباشند داخل نبرد بشود در مقابل هندیها کمتر بودو با اینکه هر عرض و اه با صده زیادی مصادف شده بسود معبدها عده حاضر آت شب به نود هزار نفر بالغ می شد.

قشون هند در مدافعت مشغول تحریکیات بوده و دستگانی که در همان شب وارد صحرای کرمال شده بودند حکم شد که بفوریت ناصبع بجهه دفاعی رسیده در جناح چپ جبهه قرار گیرند.

قشون هند با قوائی که نازه از پایتخت هند به کرمال رسیده و بنا است تا فردا صبح بجنایح چپ جبهه برسند جمایه (۲۵۰۰۰) نفر سوار و پیاده تخریم میشند و (۳۰۰) عراده توپ سبک و سنگین بوده و دو هزار زنجیر فیل جنگی نیز آنها را تقویت میداد.

خلاصه، فردا که میباشند نبرد معروف کرمال شروع شود با وضعیت امروزه هندیها که از هر حیث نفوذ کلی داشتند امری بس خطیر بنظر می آمد و بعلاوه جلو آمدن قوای هند از صحرای کرمال نشان میداد که خصم خود را برای تعریض نیز حاضر ساخته است. ترتیبات جنگی هندیها عین نرتیبایی بود که در حدود صحرای کرمال انجام نموده بودند.

۳ - شروع نبرد : دوز هفدهم ماه صبح زود فرمانده کل قوای ایران آرایش

حربی خود را بطريق فیل مقرر داشت :

- ۱ - قراولهای جلو خاص خود را تا شروع به تعریض محافظت خواهند نمود.
- ۲ - در خط اول محاربه سوار های سنگین اسلحه با توپخانه سنگین که در جلو آنها زنبورک ها را قرار داده بودند که احکم نهایی شروع بتعزیز مینمایند.
- ۳ - در خط دوم پیاده نظام سنگین اسلحه قرار میگیرد و برای تقویت حاضر شده با صایر دستگاه تشرییک مینمایند.

۴ - در جناحین جبهه تعریضی افواج سوار، یعنی سپاه سوار نظام در تخت ریاست حاجی بیک افشار در جناح چپ و افواج بختیاری در جناح راست قرار گرفتند که قبل از همه شروع تعریض مینهایند.

۵ - در خط سوم باز افواج پیاده سبک قرار گرفته بیک قسمت از این افواج برای حافظت بنه قشون مأمور بودند.

۶ - دستیجات شتر بر ضد فیلهای خصم معین شده و در پشت خط اول قرار داشتند، بوکهای پشت آنها را در موقع تعریض آتش بزنند. (۲۴)

۷ - فراولان و سوارهای کشیک خانه فرمانده کل قوا در پیشانی تمام صفوی قرار گرفته و دستور داشتند نادر شاه را از جام حرکات دشمن مستحضر نمایند.

۸ - فرماندهی مستقیم خط اول عماربه را خود فرمانده کل قوا بهمده گرفت و فرماندهی خط دوم به نصر الله میرزا و فرماندهی قوا ای جناح چپ کاف سابق با حاجی بیک افشار بود.



هنگام روز طرفین به آرایش جنگی خود مشغول بودند. مشکلت بن عسله تسبیه کردن آتشبارهای سنگین بود زیرا که تیروس آنها برای سرکوبی استحکامات خط دفاعیه هندیها از مسافت زیاد ممکن نبود و لازم بود که آنها را خیلی تزدیک به جبهه دشمن بیاورند ولی اینهم اسباب خطر بود لذا قرار شد که شب هیجدهم ماه بتوسط توپیجی های ماهر هانزده عرباده توب سنگین تا محل

(۲۴) - ذرا کیشیش اوف در کتاب خود راجع به مقصود از تشکیلات دستیجات شتر این طور مینویسد: « فیلهای هند در قشون بیک صفت علیحده ای تشكیل میدادند. در صورتیکه در مقابل این صفت در قشون ایران چیزی موجود نبود، بنا بر این نادر شاه مجبور شد برای ختنی نمودن هیبات دستیجات فیلهای جنگی هندیها تدبیری اندیشه دستور داد از محل اردو چهل تتر شتر حاضر کردند که در دو ست جهاز هر یک از آنها توپ بار شده و در هر توپ قدری چوب و بوته خشک ریخته بودند که در موقع تعریض آنها را آتش زده و شترها را با توپ ها مشتعل بگانب فیل برآورده نادر شاه بخوبی می دانست بیولای این حیوانات تدبیرهای آتش که در پشت داشتند باعث وحشت و رم خوردن فیل ها خواهد گردید و فیل ها ناچار پشت بیهان جنگ نموده بعلف اردوی خودی فرار خواهند نمود. باین ترتیب اسباب اختلال صفوی هندی کاملاً فراهم خواهد شد بهین لحاظ دستور صادر شد که شترهای مذکور را پشت خط اول تکاهداورند و بوتهای پشت آنها را فقط با اصر فرمانده کل قوا آتش بزنند »

که خود نادر شاه به رئیس توبخانه قبلاً معین کرده بودند. (۲۰)

روز هیجدهم فوریه در ساعت هشت صبح تمام قوای ایران با آواش جنگی فوق الذکر در محل های معینه در میدان نبرد کاملاً استقرار یافت و خود نادر شاه هم مسلح و مجهز شده با هیئت قرارگاه کل در جناح چپ خط اول عماریه قرار گرفت ولی برای تعریض حکم قطعی صادر نکرده و در ضمن دستور داد: «ما زمانی که وضعیت و مقصد دشمن روشن و معلوم نگردد نباید شروع به اقدام نمود.» بنابراین قوای ایران در مرحله اول عماریه حالت دفاعی بخود گرفته منتظر عملیات هندیها بودند.

بعد از ظهر جناح راست هندیها که همه سوار بودند شروع بتعریض مینهایند ولی عده قوای در خط اصل حالت دفاعی بخود گرفته توبخانه آنها دستجات آکتشافیون ایرانیان را که درین جبهه طرفین مشغول آکتشاف و خدمت قراولی داشتند موره شلیک قرار داده و بعد عماریه ها توبخانه از مسافت دور شروع کشت ولی در جناح شمال وضعیت حالت دیگری بخود گرفته سوار نظام طرفین بطور جدی داخل مقاتله شده بودند.

نادر شاه در مقابل تهاجمات سواران هند ترتیبات ذیل را اتخاذ نموده بعد شروع بتعریض مقابله نمود:

سپاه سوار را بیک فرج پیاده تقویت داده در سمت شمال در جاهای مختلف در کین گاه گذاشت، فقط پانصد نفر تفنگدار به مقابل دستجات مهاجم سعادخان و پانصد نفر دیگر را هم به مقابل قوای خان دوران فرستاد که از تهاجمات آنها حتی المقدور جلوگیری نموده داخل عماریه شوند همینکه این تدبیر بکار رفت و آنها مشغول عماریه شدند سوار هائیکه در کین بودند بیک مرتبه از سه طرف ریختند و سخت حمله آوردند. سوای این چهار هزار سوار از قشوت نادر شاه بیک نفر داخل عماریه نشد مگر خود معظم له با هزار نفر سواران افشار به اطراف حرکت میکرد و سوارها را تشویق مینمود و دستور العمل میداد و بقیه سپاه سوار بر حسب حکم در حدود استعداد کل (که در مقابل قوای عمدۀ هندیها بود) صفت شدیده بودند، هر طایفه بمجای خود و حاضر بودند که بیک فرمان به امداد بیایند ولی اتفاقاً بوجود آنها احتیاجی بیدانشده این چهار هزار سوار

(۲۰) اختیار موقعیت جبهه عماریه ندارم امیت فوق العاده دارد لذا می بایستی موقعیت را طوری اختیار که اراضی مقابل حتی الامکان در تحت آتش مستقیم و تا اطلاعی قرار گیرد

و هزار نفر یاده قبلاً از تهاجمات سوار نظام هند جلوگیری نمود، بعد با یک تعریض مقابله صفوی آنها را عقب رانده قدری پیشرفت نمود، مخابره باشناک ییاده نظام آما دو بعد از ظهر طول کشید، طرفین در این سه چهار ساعت مجدانه جنگیدند ولی بعداز یک ساعت چون هندیها بیش از حد تلفات داده بودند از میدان نبرده باشند و سپاه سوار ایران آنها را سخت تعقیب نمود و از صاحبمنصبان هند شیر جنگ خان و چند نفر از اقوام خان دوران که بک از رشید توین صاحبمنصبان هند بود اسیر شدند (سراد خان) چند زخم منکر برداشت و (مظفر خان) رئیس فوج اول سوار و چند نفر صاحبمنصب دیگر هند کشته شدند و بعضی دیگر زخمدار به اردوگاه هند برگشتند و عده کشیری در میدان مخابره بخاک هلاک افتادند.

سپاه سوار ایران قوای هند را تا حدود خط مدافعت هندیها تعقیب نموده بعد احکم فرمانده کل بخط اصلی برگشتند.

عقب نشینی سواران هند هیاهو و قیل و قال غریبی در اردوگاه تولید نموده و اغلب بند سواران هند را فراریان خودشان بتاراج برداشتند.

در موقع غروب جناح راست جبهه هندیها در نتیجه شکست سواران بدون جبهه و فشار ابرانیان متراز شده و یک قدری جبهه بشکل منحنی بطرف عقب رفت و از افراد بعضی افواج نیز فرار کردند، در میان این اختشاش فرمانده کل یعنی محمد شاه بسنگرهای نظام الملک که در مقابل اردو بود رفت و به اتفاق وزراء و امرای لشکر از سنگرهای خارج شده و صفوی قشون را آراسته که تگذارند سوار نظام ایران بیشتر جلو بیایند ولی آتو شپ نرسیده بود این تدابیر فائده نمیبخشید و در همین روز کار یکسره میشد زیرا نادر شاه عسوم قوا را برای تعریض قطعی حاضر ساخته و توپخانه نیز شروع به بمباردها کرده، بعد از غروب آفتاب هو طول جبهه سکونت حکمفرما بود.

صادمات خونین جناح جبهه کرناال قوای روحیه قشون هند را بکلی متراز شانه و روحیه تمام صاحبمنصبان را دچار تراز و انحطاط نمود، یک ساعت بعداز غروب آفتاب محمد شاه پس از تقدیش جبهه به چادر خود برگشت، جمعی از قشون هند که بدون تکلیف و پریشان در پشت سر جناح راست متوقف و جمعی از آنها مسوظب بنه و باز بودند بظرف دهملی فرار کردند.

شب در بین قراولان طرفین تیر تفنگ ردو بدل میشد. و هر دو طرف بحال بیداری بسر برده و برای یک مباربه خوین آمده بودند.

فردای آن روز (نوزدهم ماه) مباربه در طول خط کران مجدداً شروع شد و ناظر سواران طرفین در جناحین و توپخانه در مرکز مشغول مباربه بوده ولی مقارف ظهر هنديها شروع بعرض نمودند، در جلو صف حمله قریب هزار زنجیر فیل جنگی با کمال تأثی حركت میشودند، متعاقب آنها عموم پیاده نظام سپکت با تفنگ های کوتاه و خنجر در تحت فرماندهی خان (دوران) و در دنبال آنها پیاده سنگین بالغ بر چهل هزار نفر در تحت دیاست (سعادخان) در حركت بودند، خود محمد شاه ناسایر قسمتهای قشونی و تمام توپخانه، قوای احتیاط را تشكیل و در خط اصلی مدافعه مانده نسبت به اوضاع آنیه مباربه، هم برای نعرض و هم برای دفاع خود را حاضر ساخته بودند.

قوای ایران در مرحله اول مباربه حالت دفاعی داشتند توپخانه ایران بطرف صوفوف فیلهای سپکت هنديها بسرعت تیر اندازی میکرد و همینکه صف فیل ها تزدیک بمواضع ایرانیان شدند با این نادر شاه تنور های پشت شترها را دفعتاً آتش زده و آنها را در جلو خط مقدم جنین تزدیک به سوار نظام بحرکت در آوردند ولی حرارت آتش متدرجاً زیاد شد و پشت شترها را طوری کرم نمود که تمام آنها یک مرتبه از جا کنده و صدا بفریاد بلند ساختند و در این موقع توپخانه لیز صف فیلهای جنگی هنديها را هدف شلیک خود قرار داده مرتب میکویید، فیلهای صف حمله هنديها به مشاهده این منظره غریب و موحش، دچار ترس و هیجان شده صف های مباربه را خراب و تماماً بدور یکدیگر جمع شده و دفعه دو با هزینمت گذاشته و خود را بقلب صوفوف (خان دوران) زدند.

ایران از وضعیت استفاده کرده باشیپور علامت هجوم زدند، سواران از جناحین و پیاده کان از مرکز شروع بحمله متقابله نموده قریب یک ساعت طرفین با کمال شدت بالسلحه سرد میجنگیدند و محمد شاه بفوریت پیاده سنگین را به جیوه اصلی پس کشیده تریبیات دفاعی بخود گرفت ولی پیاده نظام سپکت با دستجات دیگر تا مغرب جنگیدند و تلفات زیادی دادند. در این موقع (خان دوران) بخروح و پرسش با جمعی از صاحبمنصبان اردو مقتول شد و قوا از هم باشیده و بلکی از خط مباربه خارج گردید ولی بحکم محمد شاه فوراً پیاده سنگین جدداً از سنگرهای بیرون آمده در تحت

رباست سعادتخان برای تقویت قشون خان دوران بمیدان محاربه هجوم آوردند باز محاربه شدت هافت. وقتیکه محاربه در مرکز با این شدت جریان داشت در جناح شمالی نیز سواران ایران مقاتله نمودند ولی سوارهای نادر شاه بحدی خسته و فرسوده شده بودند که بدون کمک و تقویت امکان پیشرفت برای آنها نبود.

بلندین جبهه نادر شاه فوراً امر داد که نصر الله میرزا با عده خود یکمک جناح چپ برسد. نصر الله میرزا در اجرای امر بلا درنک حرکت نمود اما در این موقع به هندی ها هم کمک رسیده و تفوق محاربه در دست هندیها ماند. بعد از این نادر شاه ناچاراً آخرین قوای احتیاط خود را برای تقویت جناح چپ و مرکز بمیدان محاربه احضار کرد. پس از تقویت صفوف جنگی بحدا ایرانیان شروع به پیشرفت نموده هندیها را تاخت اصلی عقب والدند و در این بین فرمانده قوای دوم هند (سعادتخان) اسیر میشود و یک قسم توبخانه آنها نیز در میدان محاربه می ماند بعد از تاریک شدن هوا محاربه خاموش میشود و طرفین در مکان های خود منتظر سبع میشوند.

آن شب طرفین ناصبح بیدار و منتظر عملیات هدیگر بودند

نصف شب محمد شاه برای ترتیبات خط مدافعه (نظام الملک) را خواست و در مسافت مایین سنگرهای نظام الملک و چادر محمد شاه یکنفر نظامی دیده نمیشود و اغلب آنها از تاریکی شب استفاده کرده فرار میکردند. نظام الملک و سر بلند خان و قمر الدین خان و سایر امراء که باقی مانده بودند نا تزدیک صبح در حضور محمد شاه در مشورت بودند. آخر شب به محلهای خود معاودت کرده برای وفاع حاضر شدند. روز بعد یعنی روز بیستم ماه صیبح زود فرماندهان قشون هند چون دیدند خط مدافعه از جمیعت خالی است و بیم نعرض قوای ایران میرود لهذا طول بخط مدافعه را تقلیل داده و سنگرهای به اندازه قشونی که در کر فال باقی مانده بود یکدیگر نزدیک نمودند و در مسافت مایین چادر پادشاه و سنگرهای نظام الملک م جتم شده و قشون هم دوز زیر اسلحه و هر دقیقه متقصد آمدن ایرانیان بودند ولی ایرانیها صبح زود شروع بعرض لکرده بالعکس منتظر خصم و رفع خستگی افراد بودند.

چهار روز بحال و حشت و اضطراب گشت بعد از ظهر قوای ایران بحداً برای تعریف آرایش جنگی بخود گرفت ولی محمد شاه وضعیت قوای خود را بکلی خرابیه و پریشان میدید و هیچین عده های افراد نسبت بروز قبل تقریباً به نصف درجه تنزیل یافته بود لهذا شخصاً برای متارکه حاضر شده

چند نفر صاحب منصب را با بیرقهای سفید بطرف اردو گاه ایرانیان فرستاد که ترتیب متارکه جنک را بدیند. نادر شاه فوراً آنها را بحضور خود پذیرفته و متارکه جنک را قبول فرمودند و بمقسمت‌های مختلف قشون امر شد که در مکان‌های خود اردو زده طلایه‌های بزرگ در جلو خود استقرار دهند. قشون‌های طرقین شب را در زبر اسلحه و اسبها بی علوفة در زیر زمین بسر برداشتند.

۵ - متارکه جنک - روز بیست و یکم ماه نظام الملک و عظیم الدوله از طرف دولت هند برای قرار داد متارکه جنک به اردو گاه نادر شاه رفته و شش ساعت در آنجا بودند ولی نتیجه و مواد متارکه بطور قطع معین نشد و طرف عصر نهایندگان هند به جبهه خود برگشتند.

روز بیست و هوم ماه نیز بشور و کفتگو گذشت و شرایط نادر شاه را نهایندگان دولت هند بقرار ذیل قبول کردند:

۱ - پادشاه هند برای امضاء متارکه جنک نایستی فردا در قرارگاه فرمانده کل قوای ایران حاضر شود.

۲ - پس از امضاء متارکه نامه جنک قشون هند خلخ اسلحه شده افراد مخصوص بشوند.

۳ - حمام قورو خانه و اسلحه و لوازمات جنگی و وسائل نقلیه تسلیم قشون ایران گردد.

۴ - چون قشون ایران در اثر راه بیهایهای طولانی خسته و از آذوقه و ملزومات دست تنتک هستند، باید به بایتخت هند (دھلی) رفته چند روز در آنجا استراحت نمایند.

۵ - مذاکرات صلح بس از امضاء مواد متارکه در شهر دھلی شروع خواهد شد.

ملاقات دو پادشاه در میدان حصار به

روز بیست و سوم ماه پادشاه هند برای امضاء متارکه جنک نامه بطرف اردو گاه ایران حرکت نمود و به کفیل خود امر داد که قشون را مخصوص و اسلحه را در یک نقطه جمع آوری و به نهاینده ایران تسلیم دهد.

محمد شاه در تخت روانث نشست (چتری بالای سر او بسود و یدک و طبل در جلو او) با خازی الدین خان و عظیم الله خان پسر وزیر جنک و چند خواجه و دویست نفر سوار از اردو بیرون

رفت همین که مساقی در منطقه بیطرف طی شد اشاره کرد سوارها ایستادند و خود اوها خواجهها و امراء مذکور که هر یک دو یا سه نوکر بیشتر نداشتند به اردو گاه نادر شاه وقفت در وسط راه طهمهاسخان و کیل به استقبال او آمد و اظهار خدمت کرد بعد نصرالله میرزا ایسر نادر شاه سواره به نخت روان رسیده بیاده شد و بقاعده مملکت خود احترامات لازمه را بجای آورد. محمد شاه نیز از نخت روان پائین آ مده نصرالله میرزا را در آغوش کشیده و بعدیه اتفاق رفتند تا به تپخانه اردوی ایران رسیدند در آنجا جلو نوکر ها را گرفتند و پادشاه با دو سه خواجه و امراء گذشتند. وقتی که بدر خیمه نادر شاه رسیدند معظم له نیز محمد شاه را استقبال کرده در یغیل گرفت و نزدیک خود در روی منتد نشاند و بعد از تعارفات و احوال بدستی و اعضا می تارکه جنگ نادر شاه بشرح ذیل به پادشاه هند خطاب کرد: (۱)

- (عجب است که شما اینقدر در امور خود بی قید و بی اعتنا باشید. با وجود اینکه)
- (مکرر بشما نامه نوشتم و سفیر فرستادم و اظهار دوستی کردم وزراء شما لازم ندیدند)
- (جواب کافی برای من بفرستند و بواسطه عدم افذاذ امر و نظم امور شما یکی از سفرای ما)
- (بر خلاف حام قوانین در مملکت شما کشته شد، سهل است وقتی که داخل مملکت شما)
- (شدم کویا شما اعتنایی بکار خود نداشید که اقلًا بفرستید سوال کنید من کی هستم)
- (و خیال می چیست؟ وقتی من بلاهور رسیدم یکنفر از شما بیغام و سلامی تیاورد سهل)
- (است جواب بیغام سلام من ام ندادید. بعد از آنکه امرای شما از خواب غفلت بیدار)
- (شدند هم وسائل اصلاح را قطع کردند و همه با کمال بی نظمی پیش آمدند که جلو)
- (من بگیرند و همه خود را نزدیک دام آورند. اینقدر عقل و احتیاط نداشتند که)
- (اقلًا بعضی را بجا بگذارند تا گر اتفاقی بیاگند بتوانند کاری بکنند و امور را اصلاح نمایند)
- (گذشته از اینها با کمال بیعقلی در میان سنگرهای خود جمع شده اید و تصور نمیکنید)
- (که اگر دشمن قویتر از شما باشد، شما نمیتوانید بی آب و بی آنوقه در آنجا بسر برید و)
- (اگر ضعیف نرا از شما بانده غیر لازم بلکه ناشایسته بود که خود را مخصوص نهاید. اگر)
- (به دشمن اعتنای نداشته و او را آدم منهور و بی ملاحظه می بنداشتید لمیباشستی)
- (شهرت و شخص خود را بخطر بیندازید، یکنفر سردار قابل و صدیق و با تجربه مأمور)

(میگردید در مدت قلیلی او را مستأصل و تلف میگردولی اگر از تجویه و رقتار)
 (بقاعدۀ میترسیدید بطريق اولی نمیباشستی بعد از آنکه او را اینطور بجنگ واداشتند)
 (همه چیز خود را یک مرتبه بمهلکه بیندازید - سهل است بعد از آنکه اینطور خود)
 (را اگر قفار کردید و تکلیف صلح کرد ولی شما بتصورات طفلانه و عزم جاهلانه چنان)
 (مغروف بودید که گوش بیمیج نوع مذکور شایان ندادید و صلاح خود را ندیدید نا)
 (بالاخره که بعون خداوند عالمیان و قوت شمشیر مبارزان فیروز دیدید چهاروی داد ؟)
 (اجداد شما همکتر اخوب حفظ میکردند ، ولی در دورۀ شما خراب شد و مارا مجبور کردید)
 (که متحمل خسارت جنگ بشویم ، اما چون نا بحال از خسروانواده تیمور نسبت به)
 (مملکت و ملت ایران اذیت و ضرری نرسیده من سلطنت هندوستان را از شما خلم)
 (نخواهم کرد ، لیکن چون بیقیدی و غرور شما من اجبور کرده که مسافت بعیدی ناینچا)
 (طی کرده مخارج کراف نموده ام . قشون ما بواسطه حرکت زیاد خسته و از آذوقه و)
 (ملزومات دست تذکر هستند باید به یا یتخت [به شهر دهلی] بیایم « م » و در آنجا)
 (چند روز بیان نا قشون خستگی بکیره و خسارت جنگی که با نظام الملک قرار داده)
 (شده تسلیم شود ، بعد از آن شمارا بحال خود خواه گذاشت نا مامور خود بپردازید)

روز بیستم ماه طرف عصر پادشاه هندوستان پس از امضای شرائط مقدماتی صلح بقرارگاه خود
 برگشت . شب بعموم قشون ابلاغ شد که با دولت ایران مصالحه شده و از فردا با تقدیم گارد
 شاهی سابر افواج مخصوص خواهد شد . (ن)

شب بدون حادثه گذشت ولی هر دو طرف در جبهه های اصلی مواظب و هوشیار بودند .
 در همان شب بشکرانه این فتح بزرگ مجلس جشن با شکوهی در اردوگاه ایران برپا شد و
 جشن مزبور نایمه شب دوام داشت .

روز بعد صاحبمنصبان ارشد هند با شرائط متاره جنگ بنای خلافت را گذاشتند ، و اختلال
 شدیدی در قشون ایجاد کردند . در صورتیکه نادر شاه فید کرده بود که پس از امضای شرائط
 متاره که جنگ مواد آن به موقع اجرا گذارده شود . لهذا آن روز ایرانیان مجبور شدند که قدری

(م) - این ملاقات دربست و پنج فرستنگی یا یتخت هندوستان در فرارگاه کل قشون ایران واقع شده است .
 (ن) - این اصول خلاف اخبار طبوده ولی فراریان هند طوری زیاد شده بودند که برای جلوگیری از این
 عمل تعجیل گردید .

جبهه خود را جلو زبرده وضعیت تهدید آمیزی نسبت به جبهه دفاعی هندیها اتخاذ نمایند آنروز ناظم خبری از طرف هندیها ترسید. تمام سرکردها و سران سیاه از حضور نادرشاه تقاضا کردند جبهه قشون هند را مورد هجوم قرار دهند ولی نادرشاه به این اقدام رأی نداد و آنها را مقناع نمود که هم محمدشاه و هم سرداران او بواسطه فقدان آنوقه و افراد و مرعوبیت بالآخر مرسیم پیش خواهند آورد.

در حقیقت همان طوری که نادرشاه حبس زده بود بیش آمد نمود و محمدشاه کاملاً طرفدار صلح بود. زیرا وضعیت قشون خود را بخوبی سنجیده و میدانست که با این روحیه و وسائلی ما قشون ایران دوباره داخل جنک شدن نموده بنا بر این در آن روز جدداً مجلسی از سران سیاه تشکیل داده وضعیت قشون خود و خصم را به آنها کاملاً توضیع داد و تا صرف شب مجلس شور ادامه داشت بالاخره محمدشاه گفت که «اختیار امور ازدست من بیرون وقتی واید یک از سه کار را بکنم، یافردا باقشون بسم دشمن تعرض کرده از جان بکوشم، یا آنکه یک مرتبه سم خورده کار را بکسره و رفع تمام ذات و خیالات وینوایی را بکنم، یا آنکه بهر تکلیفی که از طرف خصم سین میشود آسوده ن بدم». (۱)

بالاخره سران سیاه قرار دادند که یک هیئتی مجدها بحضور نادرشاه فرستاده و از همین لحظه استدعا کنند که (آمدن قشون ایران به بایتخت هند اسباب اغتشاش و موجب اخلاقی اوضاع داخلی هندوستان است. لهذا در هین جا مکن. است معاهده را تنظیم و امضا نمایند و خسارت جنک نیز بعد از یک ماه در لا هور بخرا نه قشون ایران مسلیم شود) شب بدون حاده گذشت ولی هر دو طرف هوشیار و مواظب اخراج خود بودند.

صبح روز بیست و پنجم ماه فوریه نمایندگان هندوستان (نظام العماله و عظیم الله خان) بحضور نادر شاه رفتند، هیئت اعزامی هند پیام دولت را به نادر شاه عرض کردند (۲) و قریب

(۱) — اقتباس از تاریخ هند.

(۲) — روز بیست و پنجم ماه هر دو طرف مشغول دفن مقتوین بودند. کنات در ماره (۱۷۰۰) تبر بود و ضایعات قوای ایران از (۲۰۰۰) تقریباً تجاوز نمیکند. جسمای مقتوین هند در مسافت سه فرسیخ متفرق شود مأمورین صحیه هند که (بیلدار میگفتند) قدری خالک روی جسد ها رفته برگشته ولی ایرانیها تمام مقتوین و مجرموین خود را از میدان مغاربه جمع کرده در محل مناسبی قرار دادند و همان شب کشتهها را دفن کردند. از قشون هندوستان جمعی چنان زخم برداشتند که قادر بر حرکت نبودند و کسی آنقدر به آنها رسم نکرد که از میدان جنک به محل مناسبی آورده و مبالغه کنند. بیهارها در اندک زمان در میان جسد کشکان مردند

از تاریخ هندوستان اکتساب شد — ج-ق

شش ساعت در اطراف آن مذکور شد و بالاخره نادر شاه فرمود که (چنانچه مایل به مسلح نباشد باید شرائط اولیه ما را بدون کفتكو قبول کنید).

نایابند کاف سه ساعت از شب رفته بحضور محمد شاه برگشتند و از آنچه را که نزد نادر شاه مذکور شده بود بعزم رساییدند.

روز بیست و ششم ماه محمد شاه ناچار تصمیم گرفت که مطابق شرائط اولیه نادر شاه رفقار نماید. سه ساعت قبل از ظهر به اردوگاه نادر شاه رفت و تمام مسائل را حل کرد و بعد به اردوگاه خود مراجعت کرد.

روز ۲۷ ماه افواج غیر دائمی هند که نصف بیشتر آنها قبل از مفرق شده بودند صرخن گردید.

از طرف نادر شاه هم توجیحی باشی (رئیس توپخانه کل) و نسقچی باشی ما چهارصد فر سوار برای خلع اسلحه به قرارگاه کل هند آمدند.

توجیحی باشی مأمور بود که به مرادی سعد الدین خان تمام توپخانه محمد شاه و امراء را ضبط نماید و نسقچی باشی نیز به معاونت فخر الدین خان مأموریت داشت که خزانه و جواهرات و اسلحه خاله و تمام آناتیه و اسباب و اسلحه متعلق به محمد شاه و امراء مقتول را بتصرف در بیاورد.

روز بیست و هشتم ماه قشون هندوستان کاملاً خلع سلاح شده و اموال محمد شاه و امراء که در قرارگاه بود تسلیم مأمورین نادر شاه شد و دوست عراده قوب ما مهبات زیاد و کلیه فیل های جنگی و مقدار کنیری اسلحه پیاده نیز تسلیم نماینده دولت علیه ایران گردید.

روز بیست و نهم ماه قرارگاه کل قشون هند ملکی و جزو فرارگاه ایران شد و یک قسم از غنائم جنگی را با خزانه و سایر اموال متصرفی با عده مخصوص به شهر کابل فرستادند که از آنها به قندھار و ولایه نهایند. در همان روز نادر شاه بمیزان مواجب سه ماهه به تمام آحاد و افراد از دوی خود از سرباز و خدمه بازارچی و غیره ... انعام اعطای فرمود.

روز اول ماه مارس طیه اسپخان وکیل با چهار هزار و پانصد لفر تفنگدار به

(شاه جهان آباد) مأمور شد که قلعه را بتصرف در آورد. (ن) موقع غروب عده مذکور وارد محیط قلعه شد وی شروع به اقدام نکرده راجع به وضعیت و استعداد ساخلوی قلعه را پورتی به قرارگاه فرستاد.

روزغیره ذیحجه نادرشاه مشغول تهیه وسایل حرکت به (شاه جهان آباد) شد و دو ساعت بطلوع آفتاب مانده روز بعد بایست هزار نفر سوار و بیاناده منتخب روبراه تهاد و محمد شاه با چهل نفر از معتبرین و ده هزار نفر از سواران ایران بفاصله نیم فرسنگ عقب نادر شاه بوده. در یک طرف مس بلندخان با اتباع خود و پشت سر او خدمه و بنه محمد شاه بود، در طرف دیگر اتباع و بنه نظام الملک و فخر الدین خان قرار داشت و فاصله هر دسته ربع فرسنگ و یک میدان بیش بود که درین هر یک از این دسته ها سوارهای ایران برای این کاشته شده بودند که نگذارند قسمتهای مختلفه بیکدیگر ملحق شوند یا از جائی که برای آنها معین شده تجاوز نمایند.

روز چهارم ماه ذیحجه قبل از رسیدن استعداد کل قوا تیپ طهماسبخان قلعه شاه - جهان آباد را بتصرف در آورد. روز سه شنبه ششم ذیحجه قشون ایران از قصبه «سپیوط» حرکت کرده به قریه «نیلا» آمدند.

در مدت شش روزی که قشون ایران در راه بود محمد شاه ها وزراء و دربارهای خود بمعیت اردو حرکت میکردند وی از سه فرسنگی شهر دهلی برای تهیه و تدارکات مقدمات ورود نادرشاه افتخار اجازه مخصوص حاصل نموده جلو تر از اردو شهر وارد گردید
روز هفتم ماه نادرشاه با قرار گاه کل سپاه سوار به باغ «شلیهار» وارد شد.

۶ - اشغال پایتخت هند و سلطان «بدون عاریه»

با وجود اینکه بموجب متأارکه نامه جنک قشون هندوستان مخصوص شده بود ولی باز در شهر (دهلی) قبل از ورود قشون ایران قریب دو فوج با بیست عراده توپ موجود بوده لهذا نادر شاه مراسله فوری به محمد شاه نوشت و مقرر داشت که اسلحه آنها را قبل از اینکه وارد شهر بشود تسليم نماید.

روز پنجم شنبه هشتم ذیحجه نادر شاه با جلال و کوکه نام وارد شهر دهلی شد، دولت هند از دروازه غربی شهر (دروازه مخصوص به سلاطین) تا ارک دولتی تمام خیابانها را با قالی

(ن) — شاه جهان آباد قلعه ایست که در پاک فرسنگی طرف شال راه دهلی واقع و در موقع متأارکه جنک ساخلوی آن بحکم محمد شاه خالقت کرده خلخ سلاح نشده بودند لهذا نادرشاه قبل از حرکت اردو بطرف پایتخت ضبط از کنایهای چهاران هند — ج - ف

و شالهای قیمتی مفروش نموده بود، به ورود دروازه قویهای مشغول شلیک شدند و اهالی در دو سمت خیلاینها صفت شنیده هله کنان ورود قشون فانع ایران را تبریک میکنند. (ل) جلو دروازه ارک دولتی محمد شاه با تمام رجال و وزراء به استقبال شاهنشاه ایران شافت و منقاً بهمارت ارک ورود نمودند.

نادر شاه از مراسم پذیرایی با شکوه اهالی اظهار رضایت نموده محمد شاه را کاکان در خود ارک منزل داد و با کمال مهر بانی با اورفتار نمود و برای قدردانی از این پذیرایی شایان دولت هنده نادر شاه به کلیه قشون احکام سخت صادر و قدغن آکید نمود که نظامیان ضرر وی احترامی نسبت به اهالی نرسانند و به نسقچی ها که مواظبت این امور با آنها است نیز حکم شد که هر کس به هندیها افیت کند از هیچ گونه تنبیه و سیاست مضايقه نکنند.

در مدت سه چهار روز اول ورود قشون ایران سکونت و آرامش شهر بحدی بود که نظامیان ایران بدون اسلحه ناریه در کوچه و بازار عبور و مرور میکردند ولی روز چهارم دژبان دهی را پورت داد که اهالی شهر آرام نیستند و خیال شورش دارند. (م)

روز شنبه دهم ماه نزدیک عصر شورش شروع شد و جمعی هم از نظامیان ناراضی به آنها ملحق شده نسقچیها را با عده ای از نظامیان ایران که بخربید غله آمنه بودند کشند. هینکه قضیه بعرض نادر شاه رسید، فوراً سپاه سوار را به شهر احضار و شخصاً بهمان میدانی که جمعیت از دحام نموده بود حرکت کرد - ورود نادر شاه به محل منبور نااندازه باعث تفرقه جمعیت گردید - نادر شاه در راه لعش جمعی از قشون خود را دید که بیش از ظهر کشته شده بودند، قبل از یک دسته سوار به اطراف فرستاد که مردم را آرام کنند و حکم کرد که اگر تهدید و وسایل دیگر از بخشید باساحجه جلوگیری کنند.. ولی ابدا به آنها که داخل شورش نیستند صدمه وارد نسانتند. اول قشون ایران بانسقچیها به آرامی و ملایمت حرکت کردند ولی مردم بجای اینکه آرام شوند، بر

(ل) - با اینکه دولت هند آسایش داخلی شهر را برای ورود قشون ایران مرتب کرده باز اسباب ناراحتی خاطر بود لهذا نادر شاه روز هفتم ماه با بیست هزار سوار و ده هزار بیانه و پنج هزار توپ با احتیاطهای لازمه شهر وارد شد و بقیه قشون را در خارج شهر گذاشت. « از تاریخ هند اقتباس شد »

(م) متصیین و علیه شهر دهی در اقطاب تقطیع شهر عالی سری تشکیل داده بر علیه قشون ایران شروع به تسریکات نمودند، بالاخره فرار گذاشتند که روز عینه بقرار گام کن ایران جله نمایند، - (از تاریخ هندوستان) -

جارت خود افزودند و بدون هیچ و امّه شروع به تیر و قنک کردن نادر شاه بطرف مسجد ووشن الدوله کنار دیک به حکمه (کونوال) بود و آنندواهالی شهر در کنار دیک مسجد بالای آنها خود رفته شروع بسلیک و تیرالدازی نمودند از یکی از این هامها یا یکی از نجدها یا کمتر مخصوصاً رویه نادر شاه الداختند و این تیریکی از صاحب منصبان که تزدیک ایشان ایستاده بود اصابت نموده او را از ها درآورد. این قبیه سبب شد که نادر شاه برای حفظ امنیت پایتخت و سلامتی قشون خود حکم نهاد که از آن عمل شروع به قتل عام کنند.

خونریزی از بازار سراوان که جلو قلعه است تا عید گاه قدیم که پلکنی مسافت دارد در گرفت و شش ساعت طول کشید و بالاخره نظامیان ایران موفق شدند و هم شورشیان را از بین بوده ویه اتقلاب خاتمه دادند.

روز بعد مقارن ظهر صدر اعظم و فخر الدین خان که نسبتاً بی طرف بودند به لزد محمد شاه آمده و او را برای شفاعت به حضور نادر شاه روانه نمودند. نادر شاه هند در صحن مسجد روشن الدوله شرفیابی حاصل نموده با کمال عجز و تصرع استندعای عفو عمومی نمود و نادر شاه بنابر تمنای او حکم عفو عمومی صادر کرد، بسایی طبل اعلام شد که بیگر باهالی صدمه نرسانند.

روز دوشنبه دوازدهم ماه ذی حجه مجدداً امنیت برقرار شد. بموجب حکم نادر شاه اسراء را بخانه های خود بر گردانیدند.

روز شنبه سیزدهم ماه قسمتی از قشون ایران را نادر شاه مأمور کرد که اسلحه و توبیخی قوای روح الله خان را بتصرف در آوردند لهذا چهار فوج در ساعت هشت شروع به حصاریه نمودند هندیهای ساخلو آنجام از ظهر مقاومت کردند ولی بعد از ظهر تسليم شده و در شهر سکونت حکمرانی کردند.

روز چهار شنبه چهاردهم پا به حکومت نظامی اعلام و امنیت برقرار شد. (ق) و در

(ق) سروز یعنی شنبه پانزدهم ماه چون عده کثیری نش در اطراف قلعه و بازارها و جاهای دیگر اتفاق و نهضن کرده بودند دزبانی شهر هر کسی را در کوچه دیدند مجبور کرده و بیرون بردن نشنا و اداشتند و بعضی از نشنا را طناب پیا بسته به بیرون شهر کشیدند و بعضی را به رو خانه انداشتند.

خارج و داخل شهر انتظامات حکمرانی کردید

روز جمعه شانزدهم ماه نادر شاه یاد داشتی راجع به قرارداد صلح از قصر « شلیوار » به محمد شاه ارسال و اخطار نمود که در بیست و یکم ماه معاہده صلح به امضا برسد و نیز در همان روز فرمانی صادر گردید که تمام مملکت ایران بجز اولاًیات جدید تأسیسال ازیر داخت مالیات معاف باشد. روز هفدهم ماه توسط محکمات کسویی محکم کن اصل این فتنه و فساد که سید نیاز خان و علی محمد خان بودندستگیر و اعدام شدند.

روز یکشنبه هیجدهم ماه قسط اول خسارات از خزانه دولت هند بطور علی الحساب در یافت گردید.

روز دو شنبه نوزدهم ماه کمیسیون خلم سلاح و خسارات جنک دو باره تشکیل و تمام روز مشغول نوشتن اسامی و سیاهه کردن بودند.

بعد از ظهر چند نفر از مقصرين اعدام شدند.

روز سه شنبه بیستم ماه کمیسیون غرامات جنک بکارهای خود خالمه داده قسط دوم خسارات جنک نیز به حیله وصول درآمد.



فصل ششم خاتمه جنک

۱ - انعقاد صلح و معاہده شلیمار - نادر شاه پس از مضمحل

نمودن فشون هند در صحرای «کرناال» و ضبط پایتخت آن دولت و برقرار نمودن امنیت و آسایش تصمیم گرفت که بفوریت معاہده صلح را به امضاء رسانده، قسمت شرقی رود «سنده» را تحیله نماید. روز بیست و یکم ماه تهاب امرای هر دو دولت بحکم نادر شاه قبل از طلوع آفتاب در حضور محمد شاه حاضر شدند، در آنجا چهل و دو خلعت که نادر شاه برای امرا فرستاده بود پوشیده شد در ساعت ده صبح محمد شاه تیموری با هیئت وزراء بحال بیاده نادر ب عمارت «شلیمار» که نادر شاه در آنجا بود آمدند.

در ساعت یازده و لیم دو پادشاه صورت معاہده را امضا ورد و بدل نمودند که شرح آن از قرار ذیل میباشد:

۲ - صورت معاہده ایران و هند سایه وزرای اعلیحضرت بهرام صوت

مریخ سلطوت قهرمان زمان سلطان السلاطین دوران شاهنشاه عالیان خلیل الله اسلامیان پناه سکندر حشمت عراض سرید سلطان باعدل و داد و باد شاه سپهر نهاد نادر شاه انشار خلد الله ملکه و سلطانه سفرای کبار به این دربار برای فرار از امور فرستاده بودند ما نیز بموافقت مایل بودیم و بعد از آنهم محمد خان ترکمان برای تذکار از شهر «تنصر» رسید ولی وزراء و کارکداوان ما سفرای مزبور را مطلع کرده و جواب نامه اعلیحضرت معظم له را بتأثیر اندختند از این راه تواری فیجاین حاصل شد و قشون خفر نمون ایشان بجذود هندوستان حرکت کرده طرفین در نقاط مختلفه و در صحرای کرناال تلاطف نمودیم، چنگی شاهان در گرفت و از آنجا که قدری الهی بود آفتاب نصرت وغیر و زی از منرق اقبال یزوال ایشان طالم گردید و چون اعلیحضرت جشید قدرت معظم له نیم را فت و قوت است باعهد سرداشتنی و و اتکال هر امی ایشان مسرت ملاقات دشت داد و در عفل فردوس آنین بهجت صحبت روی نمود بعد از آن بهاتفاق به «شاه جهان آباد» آمدیم، در آنجا خزانه و جواهرات و اشیاء تیهه سلاطین هندوستان را بنظر ایشان عرضه داده و بطور شایان هدیه گردیم اعلیحضرت معظم له جواهش ما بعضی را قبول و بلو هست و فرط محبت و علاجنه بزرگی خانواده گورکان و افتخار شجره طرخان تقدیم کرده تخت و تاج هندوستان را بنا و اگذار کردند، در ازاء این ملاطفت که از پدر به پسر و از برادر بیارادر ظاهر نمیشود ما یکصد و پنجاه کرور تومن خسارت چنک و نیم میالک واقعه در مغرب رود خا (اتک) و (آب سند) و (نالانک) را که

شبہ از شبیت رودخانہ سند است، یعنی [بیشاور] و مضافات ایالت [کابل] و [غزنی] و کوهستان افغانستان و هزاره جات و دریندہ را باقلمہ [بکرستگر] و [خدا خاد] و اراضی و دریندہ و مسکن جو کیها و بلوجها وغیره... باضمام ایالت [ته قلعه رام] و قریه [طریب] و شهر [جن] و [سوالی] و [کتر] با تهم اراضی و قراء و قلعه جات و شهرها و بندرها از ابتدای سرچشہ «روداتک» با تهم دریندہ و آبادیها که رودخانہ ائک باشعباتی که بدان محیط است تا [نالاسنک] را که مصب رود است بدریا، به دولت علیه ایران و آگذار میکنیم. خلاصه تهم محل واقعه در غرب رود ائک و آن صفحات و مغرب رود سند و نالاسنک جزء میالک این پادشاه قویشوت است، از این تاریخ به بعد عمال و کارکداران ایشان داخل صفحات مذکوره شده و آنها را بتصرف در آورده زمام حکومت و حکمرانی آن صفحات و طوابق و اهالی آنجا را بست یکپرند. عمال و کارکداران ما باید صفحات مذکوره را تخلیه نموده و از میالک ما نموضع دانسته و تهم حقوق حالیه و کنیته خود را (حکمرانی و نظم و نسق و اخدمالیات) از آنها ساقط بدانند. قلعه و شهر لهری بندر با تهم میالک واقعه در مشرق رود ائک و رود سند و نالاسنک کهیانی سابق جزو سلطنت هندوستان خواهد بود.

در بلاغ شلیمار

موافقه ۳۱ محرم الهرام سنه ۱۱۵۲

نادر شاه	محمد شاه
افشار	تیموری

* * *

۳ - تخلیه هند و سستان و ختم جنک - بعد از امضای معاهده

«شلیمار» و گرفتن خسارات جنک از تاریخ وز جمعه ششم ماه صفر ۱۱۵۲ ایرانیان به تخلیه اراضی شرق رود «سند» برداختند. شب قبل دزبانی شهر در همه جا اعلان کرد که بعد از حرکت اردو هیچ یک از نظامیان و ایشخاصی که همراه قشون آمده اند در شهر نهادند و هیچ کس آنها را در خانه خود نگاه ندارد و پنهان نکند - و اهل اردو احدهی را اسیر همراه خود نبرند.

روز شنبه قرار گاه کل از شهر دهلی به باع «شلیمار» حرکت نمود و احکام لازم برای ترتیب حرکت ستونها از شهر سادر آوردید.

روز یکشنبه هشتم ماه نادر شاه در شلیمار قشون را سان دیده و بعد از ظهر موکب ملوکانه پس از پنجاه و شش روز اقامت در پایتخت هندوستان (دهلی) هاکاروان روت قبح و ظفر و غنائم بطریق ابران حرکت نمود.

نادر شاه به نزدیک شهر (لاهور) همواره با آرایش جنگی حرکت مینمود و پس از ورود یا بن

شهرسده روزبرای استراحت و آسایش اردو در آنجا اقامت نموده بطرف افغانستان حرکت کرد. در مدت یکماه و نیم قسمت شرقی رود سندرا ابرالیان خلیه کردند ولی نواحی غربی رود یعنی افغانستان، بلوچستان رفته رفته یکی از ایالات میم ایران شد و بالاخره نادر شاه به مقصود خود که علت اصل این جنک میم بود مائل شد یعنی سر حدات شرقی ایران را به حدود طبیعی خود رسانیده و انتظامات دائمی بطور دلخواه برقرار نمود.

۴ - نتیجه جنک - تیجه جنک ایران و هند این شد که اولاً دولت ایران مثل

سابق یکی از دول معظمه قطعه آسیا شده عظمت و قدرت خود را به حوال همچوار نشان داد. ثانیاً معاہده ای با دولت هند منعقد ساخت که بموجب آن تمام اراضی واقعه در ساحل یمن رود سند بالضمام دولت میم (افغانستان و بلوچستان) بدولت ایران و آنذار و قرار شد اراضی ساحل یسار رود مزبور نیز در اداره دولت هند ولی در تحت نظارت دولت علیه ایران واقع باشد. (در دوره قرون اخیر حصول چنین اقتدار و عظمت البته کار بسیار میم بشمار میرود.)

ثالثاً مبلغ هنکری که بمنوان خسارت جنک در یک قسط از دولت هندوستان اخذ شده و وضعیت مالی و اقتصادی مملکت ایران را اصلاح و به بحرانهای اقتصادی که بعداز دوره شاه جباس کبیر شروع شده بود خاتمه داد.

رابعاً از حیث اسلحه و ملزومات جنکی قشون ایران بواسطه غنائمی که به تصرف اردوی ایران در آمد؛ عبارت از یک قسمت عده توپخانه، عده زیاد فیل های جنگی و مقدار کثیر اسلحه بود، خود را غنی کرده عده ساکللوی موقع مسلح بیش از سابق گردید.

۵ - ملاحظات راجع به جنک ایران و هند - جنک ایران و هند در

۴ سنبله - ۱۱۰۱ شروع و در ۸ ماه صفر - ۱۱۰۲ خاتمه پذیرفت و در طول این مدت قشون ایران درروی یک خط سوق الجیشی طولانی بطور سریع حرکت نموده مهلتی به دشمن خود نداد که حتی پیک فتح کوچکی هم موفق بشد، با اینکه قوای مقدم قشون هند در افغانستان و در حدود رود «سن» منتهای رشادت و شهامت را از خود ابراز داشته و در محاربات کو هستایی سخت کال پایداری را بخسر ج داد، ولی چون در این موقع در هندوستان امور مملکت روف

بروز روبه اختلال میگذاشت لهذا قوای عده دولت هندوستان نتوانست از روی اصول نظامی خود را آماده جنگ سازد. «البنکه در صحرای «کرناں» بیش از دویست هزار نفر قوا تمرکر کرد و بودند باز موفق نشدند که از تهاجمات ایرانیان جلوگیری نمایند. گرچه بعضی اوقات در صدد فلجه کردن مانور های قشون ایران بوده و به تهاجم مختصری هم اقدام نمودند، ولی موقیت حاصل نمی کردند. خلاصه در اوآخر قرون اخیری (عجنه ایران و هند) مدلل ساخت که انتظام و تشكیلات قشون و هیچنین اسلحه و تعلیم و تربیت افراد باعث موقیت میشود والاکثر قوا در محاربه مداخله مهی نخواهد داشت. چنانچه در این جنگ بطور آشکار دیده شد که در اغلب محاربات استعداد قوای هند بیش از ایرانیان بوده ولی تعلیم و تربیت و انتظام آنها با ایرانیها ابدآ قابل قیاس نبود. خلاصه عملیات قوای ایران در طول مدت جنگ قابل تنقید نیست و «العکس شاهان نحسین و تمجید میباشد».

ا تها



